

وهابیت در یک نگاه

عبدالله علی بخشی

بسم الله الرحمن الرحیم

وهابیت در یک نگاه

نویسنده:

عبدالله علی بخشی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

وهابیت در یک نگاه

مشخصات کتاب

سرشناسه : علی‌بخشی، عبدالله، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور : وهابیت در یک نگاه/ عبدالله علی‌بخشی.

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۹۰ ص.؛ ۱۲×۲۱ س‌م.

شابک : ۹۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۵۱-۳ ؛ ۹۰۰۰ ریال (چاپ دوم) ؛ ۹۰۰۰ ریال (چاپ سوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ چهارم)

یادداشت : چاپ چهارم.

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۹۱.

یادداشت : چاپ سوم: ۱۳۹۱.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۸۷] - ۹۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : وهابیه

موضوع : وهابیه -- عقاید

موضوع : وهابیه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

رده بندی کنگره : BP۲۳۸/۶/ع۸و۹ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۵۲۷

شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۰۷۴۷۹

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

دیباچه

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

محمد بن عبدالوهاب حدود دو قرن پیش فرقه وهابیت را در سرزمین نجد عربستان بنا نهاد و با کمک‌های سیاسی - نظامی محمد بن سعود، امیر منطقه درعیه، کم‌کم توانست آیین باطل خویش را در تمام مناطق عربستان گسترش دهد.

این فرقه براساس اندیشه، اعتقاد و فتاوای مخصوص به خود، از دیگر فرقه‌ها متمایز شده است. جناب آقای علی‌بخشی در این نوشتار با زبانی ساده به بررسی این اعتقادات و فتاوا پرداخته و به شبهاتی که این گروه درباره باورهای عموم مسلمانان، به‌ویژه پیروان اهل بیت (علیهم السلام) ایجاد کرده‌اند نیز به طور مختصر اشاره کرده است.

ص:۱۰

امید است این اثر برای عموم مسلمانان، به‌ویژه برای زائران خانه دوست، مفید باشد.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه کلام و معارف

ص:۱۱

مقدمه

در رابطه بـا معرفی فرقه منحرف وهابیت، تاکنون صـدها کتاب، جزوه و مقاله از سوی شخصـیت‌های علمی و فرهنگی سراسـر جهان نوشته شده است و هر کدام از زاویه خاصی به تبیین اندیشه‌ها، اعمال و نقاط انحرافی این فرقه پرداخته‌اند.
امـا تـبیین انحرافـات ایـن فرقه و پاسـخ به شـبهات آنـان به زبـانی سـاده و روان برای اقشـار مختلـف جـامعه خصوصـاً جوانـانی که با اسـتدلال‌ها و اصـطلاحات علمی، ادبی، فقهی، اصولی و تفسـیری آشـنا نیستند، از جمله خلأهایی است که کمتر به آن پرداخته شده است و جای آن همچنان خالی است.
بر این اساس، در نوشـتار حاضـر تلاش شده تا با زبانی ساده و متقن با اسـتناد به نوشـته‌ها، فتاوا و عملکرد شخصیت‌ها و متفکران این فرقه انحرافی، به معرفی آن

ص:۱۲

پرداخته شود.

طبیعی است این نوشته که با هدف ساده و روان‌نمودن مطالب و مباحث علمی تدوین گردیده، خالی از عیب و نقص نیست. امید است صاحب‌نظران و اندیشمندان محترمی که این نوشته ساده را مطالعه می‌نمایند، در تکمیل و ترویج آن ما را از عنایات خود محروم ننمایند.

عبدالله علی‌بخشی

ص:۱۳

تاریخچه وهابیت

وهابیت یکی از فرق نوظهور و منسوب به «محمد بن عبدالوهاب» نجدی است. نسبت وهابیت از نام پدرش «عبدالوهاب» بر این فرقه نهاده شده است.

محمّد بن عبدالوهاب التمیمی در سال ۱۰۸۲ه. ش، ۱۱۱۵ه. ق و ۱۷۰۳م در شهر کوچک «عُیینَه» از توابع «نجد» به‌دنیا آمد.

محمد از کودکی به فراگیری دروس مذهبی رو آورد و دروس مقدماتی را نزد پدرش که قاضی شهر بود فرا گرفت.

محمد پس از مدتی برای ادامه تحصیل رهسپار مدینه منوره شد و چهار سال در مدینه اقامت گزید. در این مدت بیشتر وقت خود را صرف مطالعه و یادگیری آثار «ابن تیمیه»(۱)نمود و به‌شدت تحت تأثیر عقاید و افکار وی

۱- تقی‌الدین احمد بن عبدالحلیم بن عبدالله بن تیمیه الحرانی معروف به ابن‌تیمیه از علمای سنی مذهب دوره حمله مغول بود. او در سال م در حران از شهرهای ترکیه کنونی به‌دنیا آمد و در سال م در زندان دمشق وفات یافت.

ص:۱۴

قرار گرفت.

محمد در دورانی که در مدینه مشغول تحصیل بود، گهگاه نظرات و مطالبی بر زبانش جاری می‌شد که موجب نگرانی برخی از اطرافیانش شده بود؛ چندان‌که برخی از اساتید وی نسبت به آینده‌اش نگران شده و می‌گفتند: «اگر این فرد به تبلیغ بپردازد گروهی را گمراه خواهد کرد»(۱)

محمد پس از چهار سال تحصیل در مدینه، ناگهان تصمیم می‌گیرد آن شهر را ترک و به بصره سفر نماید. وی چهار سال در بصره در دهکده‌ای به‌نام «مجموعه» ساکن می‌گردد. اعمال و افکار انحرافی وی با مخالفت شدید بزرگان بصره و اعتراضات مردمی مواجه شد و سرانجام مجبور شد بصره را ترک و عزم بغداد نماید. وی پس از آن، پنج سال در بغداد، یک سال در کردستان و دو سال در همدان اقامت گزید. اندک زمانی نیز در اصفهان و قم اقامت نمود و آن‌گاه از طریق بصره وارد مناطق شیعه‌نشین احساء در عربستان و از آنجا به «حُرَیمله» اقامتگاه پدرش بازگشت.(۲)

۱- تاریخ نجد، آلوسی، ج ۱، ص ۲۳؛ الفجر الصادق، جمیل الصدقی الزهاوی، ص؛ فتنة الوهابیة، سید احمد زینی الدحلان، ص.

۲- neset cagat aay. "ehhabilik" islam ansiklop edi si. xiii ، ص ۲۶۳؛ نشاط جغتای، «وهابیگری» اسلام آنسیکلوپدیسی ج ۱۳؛ لمعة الشهاب فی تاریخ محمد بن عبدالوهاب، به اهتمام احمد ابوحکیمه، بیروت ۱۹۶۷م.

ص:۱۵

هنوز چند صباحی از اقامتش در حریمله نگذشته بود که افکار انحرافی و فتاوای خلاف واقع وی موجب نگرانی پدرش شد.

عبدالوهاب بارها پسرش را نصحیت کرد و از او خواست که از افکار انحرافی خود دست بردارد اما نصایح پدر تأثیری نگذاشت و گاه بین او و پدرش نزاع درمی‌گرفت. سرانجام خودسری‌ها و تندروی‌های محمد، خشم پدرش را برانگیخت و او را از هرگونه اظهارنظر و یا سخنرانی و تبلیغ اعتقادات انحرافی‌اش منع نمود.

برادرش سلیمان بن عبدالوهاب نیز که فردی دانشمند بود، جهت حفظ جایگاه و اعتبار خانوادگی خود، شدیداً با افکار انحرافی محمد به مبارزه برخاست و اولین کتاب بر ضد وهابیت به نام « الصواعق الإلهیّة فی الردّ علی الوهّابیّة » را نوشت.

پس از سلیمان عده زیادی از علمای اهل سنت علیه افکار و اعتقادات انحرافی محمد بن عبدالوهاب به تبلیغ و سخنرانی پرداختند و کتاب‌های متعددی تألیف و بین مردم توزیع نمودند.

پدرش عبدالوهاب در سال ۱۱۵۳ه. ق/۱۷۴۰م درگذشت. محمد پس از مرگ پدر، با آزادی عمل بیشتر و بدون هیچ نگرانی، به ترویج عقاید و افکار خود که به‌نام «وهابیت» معروف شده بود، پرداخت و عده‌ای از مردم

ص:۱۶

زادگاهش را به افکار خود جذب کرد.

محمد بن عبدالوهاب در سال ۱۱۴۶ه. ق/۱۷۳۳م، عده‌ای از پیروان خود را به‌عنوان نماینده نزد مسعود بن سعید، شریف مکه، فرستاد تا در آن سال اجازه حج‌گزاردن به آنان دهد. شریف که تا قبل از آن از ورود محمد بن عبدالوهاب و پیروانش به مکه جلوگیری می‌کرد، پی برد که هدف از این سفر، تبلیغ و ترویج تعالیم و افکار محمد بن عبدالوهاب در جمع حاجیان است. از این رو، جهت معرفی افکار انحرافی فرستادگان محمد بن الوهاب و جلوگیری از حضور آنان در مراسم حج، عده‌ای از علمای مکه و مدینه را دعوت و بین آنان و فرستادگان محمد بن عبدالوهاب مناظره‌ای تشکیل داد. نمایندگان محمد بن عبدالوهاب در مناظره از علمای مکه و مدینه شکست خوردند.

قاضی مکه، بر اساس حدیث نبوی (ص) که هرکس برادر مسلمانش را کافر بخواند در حالی که مسلمان است، خود او کافر است (۱)، حکم به کافر بودن فرستادگان محمد بن عبدالوهاب داد(۲)و از ورودشان به مکه جلوگیری کرد.

افکار انحرافی محمد بن عبدالوهاب و پیروانش در شهر حریمله، افکار عمومی را علیه آنان برآشفت

۱- ر. ك. صحیح مسلم بشرح النووی، مسلم بن حجاج، ج ۲، ص ۴۹.

۲- وهابی گری، حامد الگار، ص ۲۸.

ص:۱۷

به گونه‌ای که محمد ناچار شد برای فروکش کردن خشم مردم، آنجا را ترک و به منطقه دیگری برود.

شیخ محمد پس از چهارده سال با دعوت عثمان بن معمر (حاکم عیینه) ، مجدداً به زادگاهش بازگشت و با «جوهره» عمه عثمان بن معمر، ازدواج نمود. با این پیوند خانوادگی، در چتر حمایتی حاکم عیینه قرار گرفت و از آن پس با قدرت و شدت بیشتری به تبلیغ و ترویج مسلک خود پرداخت.

اوّلین کاری که «محمّد بن عبدالوهّاب» انجام داد، ویران کردن قبور صحابه در اطراف عُیَیْنه از جمله قبر «زید بن خطّاب» برادر بزرگ‌تر عمر بود. (۱)خبر تخریب قبر به سرعت در مناطق مختلف بین مسلمانان پخش شد و با اعتراضات شدید علما و مردم این مناطق مواجه گردید.

اعتراضات مردمی موجب شد فرمانروای احساء که مقامی برتر از حاکم عیینه داشت، اقدام عثمان بن معمر را نکوهش نموده و به وی دستور داد هرچه زودتر محمد بن عبدالوهاب را از شهر عیینه اخراج نماید.

به دنبال دستور امیر احسا، حاکم عیینه مجبور شد به شیخ اعلام نماید که شهر را ترک و به منطقه دیگری برود.

۱- عنوان المجد فی تاریخ نجد، ص ۹؛ البراهین الجلیّة فی رفع تشکیکات الوهابیّة، ص ۴؛ هذه هی الوهابیّة، ص ۱۲۵؛ السلفیّة بین أهل السنّة والامامیّة، ص ۳۰۷.

ص:۱۸

مرتبطین شیخ محمد تلاش‌هایی جهت رفتن وی به «درعیه» (۱)را شروع و ارتباطاتی با امیر درعیه برقرار نمودند. عوامل انگلستان که در آن زمان جنگ‌های داخلی سرزمین حجاز را مدیریت می‌کردند و در پشت صحنه اختلافات محلی حضور داشتند، مقدمات مهاجرت و اسکان محمد بن عبدالوهاب به درعیه را فراهم نموده و زمینه ملاقات وی با حاکم درعیه را آماده کردند.

در آن زمان که جنگ‌های داخلی حجاز به حمایت عربستان شروع شده بود، امیر درعیه، محمد بن سعود (۲)(جّد آل سعود) که در حال جنگ با «دهام بن دواس» امیر ریاض بود، حضور محمد بن عبدالوهاب را در کنار خود زمینه‌ساز مذهبی جلوه‌دادن جنگ و کافر معرفی‌کردن مخالفان خود ارزیابی و از این طریق می‌توانست تعداد بیشتری از مردم را با خود همراه نماید و آنان را به جنگ علیه امیر ریاض به‌کار گیرد.

از طرف دیگر شیخ محمد که به علت انحرافات فکری

۱- درعیه یکی از شهرهای عربستان سعودی واقع در شمال غربی ریاض می‌باشد که اقامتگاه اصلی خاندان آل سعود بوده است. این شهر از سال ۱۷۴۴ تا ۱۸۱۸م پایتخت نخستین آل سعود بود. ابراهیم پاشا در سال ۱۸۱۸م این شهر را ویران کرد. ویکی مدیا.

۲- محمد بن سعود م۱۱۷۹ نخستین حاکم از آل سعود که در سال ۱۱۳۹ه. ق، دو یا چهار سال بعد از مرگ پدرش سعود بن محمد در درعیه به حکومت رسید و تا سال ۱۱۶۰ه. ق برادرش ثنیان نیز با او در حکومت شرکت داشت و پس از مرگ ثنیان به تنهایی حکومت یافت.

ص:۱۹

و اعتقادی و مخالفت‌های علما و مردم هر روز از منطقه‌ای به منطقه دیگر اخراج می‌گردید، نیاز به پایگاهی ثابت و پشتوانه مطمئن‌تری جهت ترویج افکار خود داشت.

محمد بن سعود که در آن زمان امیر درعیه بود، به دیدن محمد بن عبدالوهاب رفت و او را با آغوش باز پذیرفت و عزت و نیکی را به او مژده داد. شیخ نیز قدرت و غلبه بر همه بلاد نجد را به وی نوید داد. در این ملاقات بود که آنها با هم متحد شدند و توافق نمودند که کلیه امور سیاسی در اختیار محمد بن سعود و کلیه امور مذهبی و تبلیغی در اختیار محمد بن عبدالوهاب قرا گیرد.

بدین‌ترتیب عوامل پشت پرده ارتباط و اتحاد نزدیکی که تأمین‌کننده منافع هر دو بود، میان شیخ محمد و آل‌سعود ایجاد و آنان را با هم علیه حکومت شرفای مکه متحد کردند.

از آن پس محمد بن عبدالوهاب افکار انحرافی خود را در پرتو قدرت محمد بن سعود با جدیت بیشتری آغاز کرد.

طولی نکشید که سپاهیان آل سعود با فتوای محمد بن عبدالوهاب با همکاری وهابیون به قبایل اطراف و شهرهای نزدیک هجوم بردند و با کشتار و آواره نمودن ساکنان آن مناطق و سیل غنایم از اطراف و اکناف عربستان خصوصاً اموال مسلمانان منطقه نجد، به شهر درعیه که

ص:۲۰

شهری بدون امکانات و با مردمی فقیر بود و مرکز وهابیت بود، سرازیر گشت.

آلوسی، از مورخی به‌نام ابن بُشر نجدی چنین نقل می‌کند:

من در آغاز کار، شاهد فقر و تنگدستی مردم درعیه بودم، ولی بعداً این شهر در زمان سعود (نوه محمد بن سعود) به صورت شهری ثروتمند درآمد، تا آنجا که سلاح‌های مردم آن، با زر و سیم زینت یافته بود. بر اسبان اصیل و نجیب سوار می‌شدند و جامه‌های فاخر در بر می‌کردند و از تمام لوازم ثروت بهره‌مند بودند، به حدی که زبان از شرح آن قاصر است. (۱)

مهاجمین وهابی با حمله به مناطق مسلمان‌نشین همچون مناطق نجد، یمن و عراق جان و مال مسلمانان آنجا را بر خود حلال می‌دانسته و با قتل‌عام مردم اموال آنان را به عنوان غنائم جنگی به تصرف خود در می‌آوردند.(۲)

پس از محمد بن سعود، پسرش عبدالعزیز بن سعود، قدرت را به‌دست گرفت. عبدالعزیر نیز تحکیم پایه‌های قدرت و گسترش نفوذ سیاسی خود را در حفظ و گسترش مسلک وهابیت می‌دید. وی جهت نیل به اهداف

۱- تاریخ ابن بشر نجدی، ج ۱، ص ۲۳.

۲- جزیرهٔ العرب فی القرن العشرین، ص.

ص:۲۱

خود جنگ‌های متعددی علیه مسلمانان مناطق مجاور به راه انداخت و هزاران نفر از مسلمانان را قتل‌عام کرده و عده زیادی از مردم آن مناطق از خانه‌هایشان آواره و معابد و نمادهای مذهبی آنان را از بین برد.

بدین طریق مسلک وهابیت، که قرن‌ها قبل از محمد بن عبدالوهاب، توسط ابن تیمیه، در حد یک نظریه در لابلای کتاب‌ها، مطرح و توسط علمای زمان خود رد شده بود، مجدداً توسط حکام آل سعود زنده و به‌عنوان مذهب رسمی عربستان تبلیغ و ترویج می گردد.

محمّد بن عبد الوهّاب به پیروی از ابن تیمیه اعلام کرد:

هر کس کنار قبر پیامبر (ص) و یا سایر افراد صالح حضور یابد و از آنان حاجت بخواهد، مشرک است، و واجب است چنین شخصی را وادار به توبه کنند، و اگر توبه نکرد، خونش حلال و کشتنش جایز است.(۱)

احمد زینی دحلان مفتی مکّه مکرّمه می‌نویسد:

اگر چنانچه کسی به مذهب وهابیّت در می‌آمد و قبلاً حج واجب انجام داده بود «محمّد بن عبد الوهّاب» به وی می گفت: باید دوباره به زیارت خانه خدا بروی، چون حج گذشته تو در حال شرک

۱- کشف الشبهات، ص ۵۸؛ مجموع مؤلّفات الشیخ محمّد بن الوهاب، ج ۶، ص ۱۱۵.

ص:۲۲

صورت گرفته است.

محمد بن عبدالوهاب به کسی که می‌خواست وارد مسلک وهابیّت بشود می‌گفت: پس از شهادتین باید گواهی دهی که در گذشته کافر بوده‌ای و پدر و مادر تو نیز در حال کفر از دنیا رفته‌اند، و همچنین باید گواهی دهی که علمای بزرگ گذشته کافر مرده‌اند. اگر چنانچه گواهی نمی‌داد وی را می‌کشتند.(۱)

مسلک وهابیت از زمان عبدالعزیر تاکنون مذهب رسمی دربار سعودی می‌باشد.

۱- کشف الشبهات، ص ۵۸؛ مجموع مؤلّفات الشیخ محمّد بن الوهاب، ج ۶، ص ۱۱۵.

ص:۲۳

ویژگی‌های فکری و اعتقادی وهابیون

پیروان فرقه وهابیت دارای افکار و اعتقادات خاصی هستند که بسیاری از آنها مخالف آموزه‌های قرآنی و تعالیم پیامبر (ص) می‌باشد. برخی از این اعتقادات عبارتند از:

هرگونه استدلال عقلی، منطقی، فلسفی و عرفانی را حرام می‌دانند؛

تنها ظاهر آیات قرآن و اخبار و عمل صحابه را حجت می‌دانند؛

تنها خود را مسلمان واقعی می‌دانند و پیروان سایر فرق و ادیان را منحرف و یا کافر و مشرک می‌شمارند؛

شیعیان را کافر و هرگونه اتحاد بین شیعه و سنی را جایز نمی‌دانند؛(۱)

۱- بن باز مفتی وهابی سعودی طی فتوایی اعلام می‌کند تقریب میان شیعه و اهل‌سنت ممکن نیست؛ زیرا عقاید این دو با همدیگر سازگاری ندارد و همبستگی میان آنان امکان‌پذیر نیست، همان‌گونه که نمی‌شود اهل سنت با یهود، نصاری و بت‌پرستان در یک‌جا گرد هم جمع شوند. همچنین به خاطر اختلاف اعتقادی که میان شیعه و اهل سنت هست، تقریب میان آنان امکان‌پذیر نیست. مجموع فتاوی و مقالات لابن باز، ج ۵، ص ۱۵۶.

ص:۲۴

کشتن و قتل‌عام شیعیان را مباح می‌دانند و معتقدند هرکس چند شیعه را بکشد به بهشت می‌رود؛

برای رسیدن به هدف هر نوع وسیله‌ای را مباح می‌دانند؛

برای سقوط و یا ایجاد ناامنی در حکومت‌های غیر وهابی، هر نوع کشتار و ایجاد ناامنی را مباح می‌دانند. اگر چه بستن کمربند انفجاری بر افراد عقب‌مانده ذهنی و اعزام آنها به میان مردم باشد؛

مسافرت به قصد زیارت پیامبر اکرم (ص) و سایر انبیا و اولیا (علیهم السلام) را حرام می‌دانند؛

هرگونه تبرک جستن به اولیا و انبیا و حتی بوسیدن و دست‌کشیدن روی در و دیوار مقبره پیامبر (ص) را حرام می‌دانند؛

خواندن دعا و نماز در کنار قبر آن حضرت را شرک می‌شمارند.

سخن گفتن با ارواح انبیا و ائمه (علیهم السلام) و حاجت خواستن از آنان و یا شفیع قرار دادن آنان را شرک می‌دانند؛

ساختن گنبد و یا هرگونه نشانه روی قبور، حتی قبر پیامبر (ص) را حرام می‌دانند؛

برگزاری مراسم سوگواری برای میت را حرام می‌دانند؛

معتقدند گفتار و عمل همه صحابه پیامبر (ص) بدون عیب و نقص بوده و همه آنها را تا سر حد عصمت قبول دارند؛

هرگونه انتقاد و عیب‌گیری از عملکرد صحابه را موجب شرک و کفر می‌دانند.

ص:۲۵

خدا در آیین وهابیت

مهم‌ترین انحراف فکری وهابیون که ریشه بسیاری از انحرافات دیگر می‌باشد، نوع اعتقادات پیروان این فرقه در رابطه با خدای سبحان است. وهابیون نسبت به توحید و ذات اقدس خدا، تفکرات و اعتقادات انحرافی دارند که برخی از آنها عبارتند از:

خدای وهابیت از عرش به زمین می‌آید

اشاره

ابن تیمیه می گوید:

خدا هر شب هر طور که بخواهد به آسمان دنیا فرود می‌آید، و می گوید: آیا کسی هست که مرا بخواند و من اجابتش کنم، و طالب مغفرتی هست که او را ببخشم. . . خدا این کار را تا طلوع فجر انجام می‌دهد.

وی پس از نقل این مطلب می‌نویسد: «هر کس فرود آمدن خدا را به آسمان دنیا انکار یا توجیه کند بدعت گزار و گمراه است»(۱)

۱- مجموعهٔ الرسائل الکبری، رساله یازدهم، ص ۴۵۱.

ص:۲۶

«ابن بطوطه» (۱)در سفرنامه خود می‌نویسد:

«ابن تیمیّه» در مسجد جامع دمشق که من حضور داشتم، بر بالای منبر گفت: خداوند به آسمان دنیا فرود می‌آید، همچنان‌که من از پلّه این منبر فرود می‌آیم، و از منبر فرود آمد.(۲)

خدای وهابیت می‌خندد

ابن تیمیه در رساله «عقیدهٔ الحمویّه» می‌نویسد: «خداوند می‌خندد و روز قیامت در حال خنده بر بندگان خود تجلّی می‌کند»(۳)

خدای وهابیت غیر از ریش و عورت، همه چیز دارد

ابوبکر ابن عربی می‌گوید:

فردی که مورد وثوق من بود نقل کرد که ابوعلی، (امام و پیشوای ابن تیمیه) می‌گوید:

۱- محمـد بن عبدالله طنجی ابوعبدالله معروف به ابن بطوطه ۷۰۲/۷۰۳- ۷۷۰/۷۷۹ مورخ و جهانگرد متولد طنجه در مراکش. وی در ایران، ترکسـتان، ماورا ولگا، ماورالنهر و بخشـی از هند، چین، جاوا، سوماترا، بلاد تاتارستان و اواسطه افریقه را در نوردید و بسیاری از سلاطین و امرا و علما مذاهب را دیدار کرد، و پس از ۲۹ سال گشت و گذار به وطن خویش بازگشت. وی ماجراهای سفر دور و دراز خویش را بر ابن جزی دانشـمند اندلسـی املاـ کرد، او آن را ویرایش و پیرایش کرد و با نام «تحفـهٔ النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار» تدوین و منتشر کرد.

۲- رحلهٔ ابن بطوطه، ص ۱۱۳.

۳- مجموعهٔ الرسائل الکبری، رساله یازدهم، ص۴۵۱.

ص:۲۷

درباره خدا هر عضوی را جز ریش و عورت اثبات خواهم کرد.(۱)

خدای وهابیت از عرش بزرگ‌تر است

از نظر وهابی‌ها عرش مثل یک کرسی است که خداوند روی آن نشسته و چون خدا از عرش بزرگ‌تر است مثل یک آدم چاقی است که روی یک روی صندلی کوچکی نشسته و از هر طرف چند وجب بیرون آمده است.

دست‌های خدا خیلی دراز است

شیخ فوزان، مفتی عربستان و عضو هیئت کبار علمای عربستان، در ابتدای کتاب «عقیدهٔ اهل السنهٔ والجماعه» در مورد خدا نوشته: « انّ لله یدین طویلتین کبیرتین . . . .» (۲)؛ «خدا دارای دو دست طولانی و بزرگ است» .

خدای وهابیت شب عرفه به زمین می‌آید

شیخ محمّد صالح العثیمین عضو هیأت کبار علمای سعودی، حدیثی به پیامبر (ص) نسبت داده مبنی بر اینکه:

۱- العواصم من القواصم، ج ۲، ص ۲۸۳؛ دفع شبه التشبیه بأکف التنزیه لابن‌الجوزی، ص ۹۵، ۱۳۰ - الهامش.

۲- «عقیدهٔ اهل السنهٔ و الجماعه» این کتاب هر سال هنگام ورود حجاج به عربستان در فرودگاه‌ها و مراکز تبلیغی اهل سنت با زبان‌های مختلف چاپ و به‌صورت مجانی توزیع می‌شود،

ص:۲۸

«خداوند تعالی در شب عرفه به آسمان دنیا فرود آمده و در برابر فرشتگان به وقوف‌کنندگان در عرفات مباهات می‌کند»(۱)

خدای وهابیت دارای موی فرفری است!

ابویعلی از ابن عباس نقل کرده که پیامبر گرامی (ص) فرمود:

خداونـد را به صورت نو جوانی دیدم که هنوز موی صورتش در نیامده، سـرش پرمو، پیچ پیچ (فرفری) و دارای زیور و آلات سـرخ بود.

ابویعلی در کتاب دیگرش گفته: «ابوزرعه دمشقی این روایت را صحیح شمرده. . .» .

همچنین احمد بن حنبل گفته است:

این حدیث را بزرگان از بزرگان صـحابه روایت کرده‌اند و هر کس در صحت این روایت شک نماید، جهنمی و شهادت او پذیرفته نیست، نباید به او سلام کرد و به هنگام مریضی نباید از وی عیادت نمود. (۲)

۱- هفته‌نامه «المسلمون» ، شماره ۶۱۸، مورخ ۲۵ رجب ۱۴۱۷ برابر با ۱۶/۹/۷۵.

۲- طبقات الحنابلهٔ، ج۳، صص ۸۱ و۸۲؛ إبطال التأویلات، أبی‌یعلی، ج۱، صص ۱۴۱ و ۱۴۵.

ص:۲۹

برخی از فتاوای وهابیون

اعتقاد به گردش زمین به دور خورشید شرک است

اشاره

مفتی اعظم (سابق) عربستان «عبدالله بن‌باز» و سایر مفتیان وهابی طی فتوایی اعلام نموده‌اند:

اعتقـاد به دوران یا چرخش زمین باطل است و کسـی که به این فرضـیه باور داشـته باشـد، کافر است، برای اینکه این فرضـیه با قرآن کریم وَ الْجِبالَ أَوْتاداً و قوله جل‌وعلا وَ إِلَى الْأَرْضِ کَیْفَ سُطِحَتْ منافات دارد.(۱)

عبدالکریم بن صالح الحمید نیز در کتابش با دفاع از این فتوا نوشته است:

از جمله این اعتقادات، باور، به کروی بودن و چرخش زمین است. . . و باور به دوران زمین، خطایی بسـیار بزرگ‌تر از نظریه جهش و تکامل انسان از میمون است.(۲)

۱- الادلهٔ النقلیهٔ و الحسیهٔ علی جریان الشمس و سکون الارض و امکان الصعود الی الکواکب، عبدالله بن باز، ص ۱۷.

۲- هدایهٔ الحیران فی مسألهٔ الدوران، صص ۱۲- ۳۲.

ص:۳۰

همچنین ابن عثیمین، مفتی عربستان در کتابی که در اثبات گردش خورشید به دور زمین نوشته، به معلمان اخطار می‌کند که از تدریس آن بخش از درس علوم و جغرافیا که از حرکت زمین سخن گفته می‌شود، خودداری کنند، چون این مطلب باعث مفسده و گمراهی دانش‌آموزان می‌شود.(۱)

نظر نویسنده

این فتواها در حالی صادر شده که گردش زمین به دور خورشید از امور بدیهی شمرده می‌شود و حتی کودکان دبستانی نیز به مخالفان این نظریه می‌خندند.

اهدای گل به مریض

اشاره

از هیئت مفتیان وهابی در عربستان سؤال شده است: در بعضی از بیمارستان‌ها، اماکنی برای فروش گل وجود دارد، و ما عیادت‌کنندگانی را می‌بینیم که دسته‌های گل را از آنها می‌خرند و به بیماران تقدیم می‌کنند، این کار چه حکمی دارد؟
هیئت مفتیان در جواب نوشته‌اند: در طول قرون متمادی اهدای گل (طبیعی یا مصنوعی) هیچ‌گاه جزء سنّت عیادت از بیماران نبوده و این عادتی است که از بلاد

۱- مجموع فتاوی و رسائل محمد بن صالح العثیمین، ج ۳، ص ۱۵۳، ش۴۲۸.

ص:۳۱

کفر وارد شده و عدّه‌ای که ایمان ضعیفی داشته‌اند، از آنها تأثیر گرفته و این عادت را انتقال داده‌اند. حقیقت این است که بردن گل نفعی برای بیمار نـدارد، بلکه تشبّه و تقلیـد محض از کفّار محسوب می‌شود و نه هیچ چیز دیگر، و فقط خرج کردن پول در غیر راه درست است که این اعتقـاد فاسـد را به دنبـال دارد که این گل‌هـا بـاعث شـفا می‌شود. بر این اسـاس نبایـد از گـل در مورد مـذکور استفاده کرد، نه به صورت فروش و نه خرید و نه اهدا.(۱)

نظر نویسنده

تردیـدی نیست که هیـچ انسـانی معتقـد نیست که گـل مریض را شـفا می‌دهـد، بلکه گـل مظهر شـادی و لطافت است که باعث شاد نمودن روحیه مریض و دادن امید به او می‌شود.

حرمت ساختن بنا روی قبور و وجوب ویران‌کردن آنها

ابن تیمیه و شاگرد معروفش، ابن القیم جوزی طی فتواهایی اعلام می‌کنند: «ساختن بنا بر روی قبور حرام و از بین بردن بناهای ایجاد شده واجب می‌باشد»(۲)

۱- هیئت علمای ارشد، شماره فتوا ۲۱۴۰۹، تاریخ ۲۱/۳/۱۴۲۱، محمد عبدالرحمان العمر از مفتیان عربستان.

۲- یجبُ هَدْمُ المشاهِدِ التّی بُنِیت علی القُبور، و لایجوزُ ابقاءُها بَعد القدرهِ علی هَدمِها و إبطالها یوما واحداً.

ص:۳۲

پس از آن محمد بن عبدالوهاب و مفتیان وهابی به تقلید از آنان، فتوای حرمت ساختن بنا بر روی قبور را صادر نمودند.

حکم اظهار خوشحالی کسی که در فوتبال گل می‌زند

عبدالله النجدی و عبدالعزیر آل شیخ مفتیان عربستان طی فتوایی می‌نویسند:

هر کسی که گل بزند و سپس بدود تا بقیه او را دنبال کنند و بغل نمایند، (همان‌طور که در آمریکا و فرانسه بازیکنان انجام می‌دهند) ، باید به صورتش تُف انداخت و تنبیه کرد! ! ! زیرا ورزش بدنی شما چه ارتباطی به شادی و بغل‌کردن و بوسیدن دارد.(۱)

حکم برگزاری مراسم جشن تولد

شیخ ابن عثیمین از مفتیان وهابیّت عربستان طی فتوایی می‌نویسد:

برپایی مراسم جشن تولّد برای اطفال، از عادات و سنّت‌های اسلامی نیست، بلکه از دشمنان به ارث رسیده است. رسول اکرم (ص) فرموده است: هر کس شبیه هر ملتی (از دشمنان اسلام) شود، از آنان محسوب می گردد.(۲)

۱- سایت شیعه آنلاین.

۲- فتاوی منار الإسلام، ج ۱، ص ۴۳.

ص:۳۳

وی در فتوای دیگری می‌نویسد:

اگر کسی برای خود و یا فرزندان خود جشن میلاد بگیرد و یا مراسم سالگرد ازدواج برپا کند، کار خلاف شرع مرتکب شده و این کار به بدعت نزدیک‌تر است.(۱)

هیئت دائم افتای سعودی در پاسخ به سؤالی پیرامون مراسم جشن تولّد می‌نویسد:

جشن تولّد، نوعی از بدعت است که در دین افزوده شده و برای هیچ فردی اگرچه از شخصیّت‌های برجسته جامعه و دارای موقعیّت ممتاز هم باشد، جایز نیست.(۲)

برگزاری مراسم میلاد رسول اکرم (ص) بدعت است

بن باز، مفتی سابق عربستان سعودی طی فتوایی می‌نویسد:

مراسم میلاد پیامبر گرامی (ص) جایز نیست چون بدعت در دین محسوب می‌شود؛ زیرا رسول گرامی، و خلفای راشدین، و صحابه و دیگر تابعین، چنین مراسمی انجام نمی‌داده‌اند. (۳)

۱- مجموع فتاوی و رسائل ابن العثیمین، ج ۲، ص ۳۰۲.

۲- فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلميّة والإفتاء، ج ۳، ص ۸۳.

۳- مجموع فتاوی و مقالات متنوعة، ج۱، ص ۱۸۳؛ فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلميّة والإفتاء، ج ۳، ص ۱۸.

ص:۳۴

برگزاری جشن سالگرد ازدواج بدعت است

شیخ ابن عثیمین از نویسندگان و مفتیان فعال وهّابیّت در عربستان در فتوایی می‌نویسد:

جشن میلاد برای اشخاص یا اولاد و یا برای مناسبت‌های دیگر از قبیل ازدواج و مانند آن غیر مشروع و بدعت است.(۱)

در استفتای دیگری که از هیئت مفتیان عربستان در رابطه با برگزاری جشن‌ها و مراسم دولتی سؤال می‌شود، جواب می‌دهند:

اگر مقصود از مراسم برگزاری عید به خاطر مصلحت ملّت و تنظیم امور کشور صورت پذیرد، همانند هفته پلیس، و شروع سال تحصیلی، و گردهمایی کارمندان دولتی، و امثال آنها که قصد تقرّب و عبادت در آن نیست، مانعی ندارد و شامل نهی پیامبر نمی‌شود. (۲)

نازک‌کردن و برداشتن ابرو

شیخ عبدالعزیز بن باز، مفتی عربستان، طی فتوایی می‌نویسد:

برداشتن و کم کردن موی ابروها درست نیست، چون از پیامبر پیامبر (ص) روایت شده است

«لعنَ اللهُ النّامصه

۱- مجموع فتاوی و رسائل ابن العثیمین، ج ۲، ص ۳۰۲.

۲- فتاوی اللجنهٔ الدائمهٔ للبحوث العلمیّهٔ والإفتاء، ج ۳، ص ۸۸.

ص:۳۵

والمتنمصه» ؛ «خداوند زنی را که موی ابروها را باریک می‌کند یا برمی‌دارد و زنی که خواستار انجام این کار است لعنت کرده است» .(۱)

فتوای مشابهی از شیخ ابن عثیمین و عبدالله جبرین و. . . نیز صادر شده است.

مراسم سوگواری پیامبران و صالحان بدعت است

اشاره

هیئت دائم افتای سعودی در پاسخ به سؤالی پیرامون مراسم سوگواری می‌نویسد:

مراسم سوگواری برای پیامبران و صالحانی که از دنیا رفته‌اند و همچنین مراسم بزرگداشت آنان جایز نیست و بدعت در دین، و شرك به حساب می‌آید.(۲)

نظر نویسنده

البته در مجالس و مراسمی که قرآن قرائت می‌شود، احادیث پیامبر (ص) تفسیر می‌شود، احکام شرع بیان می‌گردد، کدام قسمت آن شرك است؟ الله اعلم.

کشتن گوسفند پس از اتمام ساختمان

عبدالعزیز بن باز می‌گوید:

همانا ذبح گاو یا گوسفند هنگام به اتمام رسیدن

۱- مجله الدعوة، ش ۹۷۵.

۲- فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلميّة والإفتاء، ج ۳، ص ۵۴.

ص:۳۶

ساختمان مساجد، اصل و اساسی بر آن نیست، و اعتقاد به آن خطای محض است و سزاوار است کسی را که معتقد به این امور است یا اینکه این کارها را انجام می‌دهد انکار کنیم؛ زیرا این امور بدعت در دین به حساب می‌آید، و هر بدعتی ضلالت است.(۱)

پوشیدن چفیه بر زنان حرام است

شیخ عبدالله مطلق، عضو هیئت علمای عربستان سعودی طی اظهاراتی پس از اعلام تحریم استفاده از چفیه‌ها برای زنان گفت:

این مسأله را در نشست اخیر مجمع هیئت علما مطرح کردیم و به اتفاق آراء، این نظر را داشتند و در نتیجه چنین تصمیمی گرفته شد.

وی در ادامه گفت:

در حدیثی آمده که رسول‌خدا (ص) مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان کنند را لعن کرد.

برخی دیگر از علمای عربستانی از جمله شیخ خالدبن عبدالله مصلح، طی اظهاراتی گفت:

استفاده از این نوع چفیه‌ها برای زنان حرام نیست؛

۱- مجلّة البحوث الاسلامیة، ج۳۹، ص ۱۴۲

ص:۳۷

زیرا نوعی لباس یا پوشش حلال به شمار می‌رود و هیچ حدیث یا روایتی برای تحریم آن وجود ندارد.(۱)

صلوات بر رسول اکرم (ص) قبل از اذان و بعد از اذان

اشاره

فرستادن صلوات بر پیامبر (ص) قبل از اذان و بعد از اذان، از بدعت‌هایی است که در دین ایجاد شده و پیامبر (ص) فرموده است: «هر کس بر دستورات دینی ما چیزی بیفزاید، مردود است» . همچنین فرموده است: «هر کس عملی را انجام دهد که ما به آن دستور نداده‌ایم قابل قبول نیست» .(۲)

عبدالله بن باز مفتی اعظم سعودی نیز چنین فتوایی صادره کرده است.(۳)

نظر نویسنده

در قرآن، صلوات فرستادن بر محمد (ص) در هر حال و در هر زمان و مکانی به مؤمنین توصیه شده است. ۴

دعا کردن در کنار قبر رسول اکرم (ص)

اشاره

شیخ صالح فوزان عضو هیئت افتای سعودی می‌نویسد:

رفت و آمد زیاد به کنار قبر رسول اکرم (ص) و نشستن

۱- http://www.shia-online.ir

۲- فتاوی اللجنهٔ الدائمهٔ للبحوث العلمیّهٔ والإفتاء، ج۲، ص ۵۰۱.

۳- الفتاوی الاسلامیّهٔ، ج ۱، ص ۲۵۱.

ص:۳۸

در آنجا و سلام گفتن به حضرت، بدعت به شمار می‌آید، و همچنین دعا کردن به این نیّت که شاید در آنجا به اجابت برسد نیز از بدعت‌ها به حساب می‌آید. (۱)

نظر نویسنده

در قرآن هم بر پیامبر (ص) و انبیا (علیهم السلام) سلام فرستاده شده است: سَلامٌ عَلی إِلْیاسِینَ . حال چرا مفتیان وهابی، سلام فرستادن بر پیامبر (ص) را بدعت می‌شمارند، الله اعلم.

دست‌کشیدن به پرده کعبه

شیخ ابن عثیمین از مفتیان و علمای بزرگ سعودی می‌نویسد:

تبرّك جستن به پرده کعبه و دست کشیدن به آن بدعت به شمار می‌رود، چون از رسول اکرم (ص) دستوری در این باره نرسیده است. (۲)

اهدای ثواب نماز و قرآن به رسول اکرم (ص) و مردگان

اشاره

هئیت افتای عربستان سعودی طی فتوایی اعلام می‌کند:

هدیه نمودن ثواب نماز به میّت بدعت محسوب

۱- مجلّة الدعوة، عدد ۱۶۱۲، ص ۳۷.

۲- مجموع الفتاوی لإبن عثیمین، رقم ۳۶۶.

ص:۳۹

می‌شود، چون از رسول اکرم (ص) و اصحاب در این‌باره چیزی نرسیده است.(۱)

همچنین اهـدای ثـواب و ختـم قرآن برای رسـول گرامی (ص) نیز جـایز نمی‌باشـد، چـون اصـحاب پیـامبر و دیگران چنیـن کـاری نکرده‌اند.(۲)

نظر نویسنده

این فتواهـا در حـالی صـادر می‌شود که هر سـاله پرده کعبه توسـط وهـابیون تعویض و پرده قـدیمی قطعه قطعه و قطعات آن به‌عنوان هـدیه برای سـران کشورهـای اسـلامی و شخصـیت‌های مسـلمان ارسـال می‌گردد؛ چنـان‌که پیـامبر (ص) و اصـحاب چنیـن کـاری نمی‌کردند، اما هیچ مفتی آن را بدعت نشمرده است.

قرائت قرآن و توزیع خیرات برای اموات

شیخ ابن عثیمین از مفتیان و علمای بزرگ سعودی می‌نویسد:

اجتمـاع نزد مصیبت‌دیده و همچنین خوانـدن قرآن برای میّت و توزیـع خرمـا و گوشت از بـدعت‌هایی است که بایـد از آن اجتنـاب نمود، چون این کار باعث نوحه‌سرایی و گریه و حزن داغدیدگان می‌شود، و

۱- فتاوی اللجنهٔ الدائمهٔ للبحوث العلمیّهٔ والإفتاء، ج ۴، ص ۱۱.

۲- همان، ج ۹، ص ۵۸.

ص:۴۰

تلخی مصیبت برای همیشه در قلب آنان می‌ماند، و من این افراد را نصیحت می کنم که از این کار دست برداشته و توبه نمایند.(۱)

اگر گریه‌کردن در مرگ عزیزی که از دست رفته و یک امر طبیعی است، بـدعت می‌باشـد، چرا پیغمبر (ص) در غم فرزنـدش گریه کرد؟ چرا پیامبر (ص) به مردان و زنان گفت که حمزه گریه‌کننـده ندارد؟ و پس از آن زنان بر حضـرت حمزه گریه کردند و پیامبر (ص) آنها را منع نکرد؟

در روایات زیادی وارد شـده که مصیبت‌دیدگان را تنها نگذارند و آنها را به منازل خود دعوت کنید و در کنار آنها بنشـینید تا مایه آرامش آنهـا گردد. این قبیـل توصـیه‌ها یک سـری اعمال انسانی و اخلاقی است که موجب کاهش آلام و ناراحتی‌های صاحب عزا می‌شود و هیچ دلیلی بر حرمت آنها وارد نشده است.

رفتن به غار حراء

اشاره

هیئت افتای سعودی می‌نویسد:

رفتن به غار حراء از شـعائر حجّ و آداب اسلامی به حساب نمی‌آید، بلکه بدعت و از اسباب شرک است، و باید مردم را از این عمل جلوگیری نمود. (۲)

۱- فتاوی منار الإسلام، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲- اللجنهٔ الدائمهٔ، الفتوی رقم ۵۳۰۳.

ص:۴۱

نظر نویسنده

این فتوا در حالی صادر شده است که پیامبر (ص) و اصحاب آن حضرت به غار حراء می‌رفتند و حضرت حدیث عشره مبشره را در کوه نور برای اصحاب ایراد می‌فرمودند.

طبق چه دلیلی دیدن غار حراء و محل بعثت پیامبر (ص) بدعت می‌باشد. آیا رها کردن میمون در غار حراء که توسط وهابیون انجام می‌شود، طبق عمل صحابه می‌باشد و بدعت به حساب نمی‌آید، اما حضور مسلمانان برای دیدن غار حراء بدعت محسوب می‌شود؟

ذکر گفتن با تسبیح

بن باز مفتی اعظم سعودی گفته است: «ذکر گفتن با تسبیح در شرع مطهّر وارد نشده است بهتر است به جای تسبیح با انگشتان دست ذکر گفته شود»(۱)

شروع جلسات با آیات قرآن

شیخ ابن عثیمین از مفتیان عربستان می‌نویسد: «آغاز نمودن جلسات و سخنرانی‌ها با آیات قرآن به صورت دائم، در شرع وارد نشده است و شایسته نیست» .(۲)

۱- فتاوی إسلامیّهٔ، ج ۲، ص ۳۶۶.

۲- نور علی الدرب، ص ۴۳.

ص:۴۲

قرائت قرآن و دعای دسته‌جمعی

لجنه دائم افتای سعودی نوشته است: «قرائت قرآن و همچنین خواندن دعا به صورت دسته‌جمعی پس از هر نماز بدعت است»(۱)

گفتن «صدق الله العظیم» بعد از ختم قرآن

لجنه دائم افتای سعودی نوشته است: «در پایان قرائت قرآن گفتن «صدق الله العظیم» بدعت است»(۲)

شیخ ابن عثیمین از مفتیان بزرگ سعودی نیز به همین حکم فتوا داده است. (۳)

فتوا به کفر شیعه

اشاره

هیأت عالی افتای سعودی در پاسخ به سؤالی پیرامون شیعه نوشته است:

همان‌گونه که در سؤال آمده است، آنان که «یا علی، یاحسین» می‌گویند مشرك، و از ملّت اسلام خارج می‌باشند.(۴)

این فتوا به امضای چهار تن از اعضای هیأت عالی افتای سعودی به شرح ذیل رسیده است که عبارتند از:

۱- فتاوی اللجنهٔ الدائمهٔ للبحوث العلمیّهٔ والإفتاء، ج ۳، ص ۴۸۱.

۲- همان، ج ۴، ص ۱۴۹.

۳- فتاوی إسلامیهٔ، ج ۴، ص ۱۷.

۴- فتاوی اللجنهٔ الدائمهٔ للبحوث العلمیّهٔ والإفتاء، ج ۳، ص ۳۷۳.

ص:۴۳

رئیس هیأت: عبدالعزیز بن عبد الله بن باز.

اعضای هیأت: عبدالرزاق عفیفی، عبدالله بن غَدَیان و عبدالله بن قعود.

در فتوای دیگری عبدالله بن جبرین، یکی از مفتیان سعودی، در جواب این سؤال که «آیا می‌شود به فقرای شیعه زکات داد؟» پاسخ داده:

طبق نظر علمای اسلامی به کافر نمی‌شود زکات داد و شیعیان بدون شک به چهار دلیل کافر هستند:

۱. آنان نسبت به قرآن طعنه زده و بدگویی می‌کنند و معتقد به تحریف قرآن هستند و می‌گویند که دو سوم قرآن حذف شده و هرکس به قرآن طعنه زند کافر است و منکر آیه شریفه وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُونَ می‌باشد.

۲. به سنت پیامبر و احادیث صحیح بخاری و مسلم نیز طعنه می‌زنند و به احادیثی که در این دوکتاب آمده عمل نمی‌کنند، چون بر این عقیده هستند که روایات این کتاب‌ها از صحابه نقل شده و صحابه را کافر می‌شمارند. و معتقد هستند که پس از پیامبر گرامی همه صحابه جز علی و فرزندان او و تعداد اندکی مانند: سلمان و عمار همه کافر و مرتد شدند.

۳. شیعیان اهل سنت را کافر دانسته و با آنان نماز نمی‌خوانند و اگر پشت سر اهل سنت نماز بخوانند آن نماز را اعاده می‌کنند، بلکه آنان معتقد به نجاست

ص:۴۴

اهل‌سنت هستند و اگر با یکی از اهل سنت مصافحه کنند، دست خود را آب می‌کشند.

۴. شیعیان نسبت به علی و فرزندان او غلوّ کرده و آنان را به صفاتی که ویژه خداوند است توصیف می‌کنند و همانند خداوند آنان را صدا می‌کنند. تا آنجا که گفته: اگر کسی به شیعیان زکات بدهد قبول نیست؛ زیرا او با این کار خود به کسی کمک کرده که کفر را تقویت می‌کند و با سنت پیامبر در حال جنگ است.

نظر نویسنده

ای کاش مفتیان سعودی حداقل برخی از کتب شیعه را مطالعه و یا اطلاعاتی از اعتقادات شیعه را به‌دست می‌آوردند تا به این راحتی فتواهای کیلویی و بی‌اساس صادر نمی‌کردند و پیروان واقعی اسلام ناب محمدی (ص) را متهم به شرک نمی‌نمودند تا هر شیعه‌ای که این فتواها را می‌خواند از بی‌اطلاعی و جهالت آنان نمی‌خندید.

ص:۴۵

مخالفت وهابیون با قرآن و سنت پیامبر (ص)

وهابیون که تنها خود را پیرو واقعی و راستین اسلام و قرآن و سلف صالح می‌دانند، معتقدند که سایر مسلمانان از عمل به کتاب و سنت پیامبر (ص) و سلف صالح منحرف شده‌اند، خود دچار یک سری تفکرات انحرافی و اعتقادات شرک‌آمیز شده‌اند که مخالف صریح آیات قرآن و سنت پیامبر (ص) و عمل صحابه می‌باشد، از جمله:

قرآن خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «حق ندارید کسی را که می‌گوید مسلمانم او را نسبت غیر مسلمانی بدهید» . (۱)اما وهابیون بسیاری از مسلمانان را که مخالف وهابیت هستند، مشرک و کافر خطاب می‌کنند.

قرآن بدترین دشمن مسلمانان را یهود معرفی می‌کند اما وهابیون بدترین دشمن مسلمانان را شیعیان

۱- وَلاَ تَقُولُواْ لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلاَمَ لَسْتَ مُؤْمِناً. . . ؛ «به کسی که می‌گوید من مسلمانم، نگویید مسلمان نیستی» نساء: ۹۴ .

ص:۴۶

معرفی می کنند.(۱)

قرآن بی‌احترامی به اعتقادات منحرفان و مشرکان را جایز نمی‌داند و می گوید: «حتی به بت‌های آنان اهانت نکنید» (۲)؛ اما وهابیون بدترین تهمت‌ها و دروغ‌های ناروا را به شیعیان و مسلمانانی که مخالف وهابیت هستند، نسبت می دهند.

اسلام جهاد را تنها با کفار جایز می‌داند، اما وهابیون جهاد علیه کفار را کنار گذاشته و جهاد را علیه مسلمانانی جایز می‌دانند که مخالف وهابیت هستند.

اسلام، منادی وحدت بین مسلمانان می‌باشد و حتی اهل کتاب را به وحدت حول محور توحید دعوت می کند (۳)، اما وهابیون منادی و مظهر تفرقه در سرزمین‌های اسلامی می‌باشند.

براساس آموزه اسلام، مسلمانان باید با یکدیگر با

۱- شیخ الحذیفی امام جماعت وهابی مسجدالنبی ص در خطبه‌های نمازجمعه مسجدالنبی در سوم مارس ۱۹۹۸م که با حضور رئیس جمهور پیشین ایران حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در مسجدالنبی ص ایراد شد، تحت عنوان «یهودیان، مسیحیان و روافض را از عربستان اخراج کنید» ضمن رد اتحاد با شیعیان و دادن نسبت‌های ناروا به شیعه، و تقبیح و سرزنش حامیان اتحاد سنی و شیعه می گوید: «خطر شیعیان برای اسلام بیش از یهودیان و مسیحیان است و هرگز نباید به آنان اعتماد کرد. بنابراین مسلمانان باید با نهایت احتیاط با آنان برخورد کنند» .

۲- وَلاَ تَسُبُّوا الَّذِینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَیَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَیْرِ عِلْمٍ. . . الأنعام: ۱۰۸ .

۳- قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا إِلی کَلِمَهٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ. . . آل عمران: ۶۴ .

ص:۴۷

رحمت و عطوفت و مهربانی برخورد کنند(۱)، اما وهابیون، با قتل و کشتار مسلمانان در مناطق مختلف جهان، خشن‌ترین چهره را از اسلام ترسیم نموده و تاکنون از درون این فرقه ده‌ها گروه تروریستی به وجود آمده که با حمله به مساجد، حسینیه‌ها، دسته‌های عزاداری، هزاران مسلمان را شهید و به خاک و خون کشیده‌اند.

وهابیون می‌گویند: «شیعیان کافر و مشرک هستند، چون صحابه را لعن می‌کنند» ، اما در مورد معاویه که لعن نمودن علی (ع) را بین مسلمانان ترویج نمود و دستور داد علی (ع) را در بالای منابر و خطبه‌های نمازجمعه لعن کنند، یا ساکت می‌شوند و یا آن را توجیه می‌نمایند.(۲)

از زمانی که وهابیت توسط آل سعود و با حمایت انگلستان ایجاد گردیده تاکنون، تمام مبارزات و جنگ‌های پیروان این فرقه، علیه مسلمانان بوده و هیچ‌گونه مبارزه یا جهادی علیه کفار و اشغالگران سرزمین‌های اسلامی و یا اهانت‌کنندگان به قرآن و پیامبر (ص) انجام نداده‌اند.

مفتیان وهابی شیعیان را متهم به اهانت به پیامبر (ص) و صحابه می‌نمایند و به همین علت خون آنان را مباح و کشتن آنان را جایز اعلام می‌کنند. اما در مورد

۱- أَشِدَّاءُ عَلَى الْکُفَّارِ رُحَمَاءُ بَیْنَهُمْ تَرَاهُمْ الفتح: ۲۹ .

۲- منهاج السنة، ج۳، ص۱۵؛ ینابیع المودة لذوی القربی، القندوزی، ج ۲، ص ۱۱۹.

ص:۴۸

اهانت‌کننـدگان به رسول اکرم (ص) در کشورهای اروپایی و آمریکایی و افرادی همچون سـلمان رشـدی، سـکوت می‌کننـد و هیچ فتوایی صادر نمی‌کنند.

وهابیون بوسـیدن ضـریح پیامبر (ص) را شـرک و حرام می‌دانند، اما بوسیدن فرزند، همسر، پدر، مادر، دست پادشاه و. . . را مجاز و پسندیده می‌دانند. (۱)

وهابیون هرگونه تشییع جنازه و برگزاری مراسم برای مردگان را شـرک می‌دانند؛ اما برای عبدالله بن باز و شیخ ابن عثیمین و عبدالله جبرین (مفتیـان وهـابی در مکه و مـدینه که چنـدی قبـل از دنیـا رفتنـد) ، مراسم تشـییع جنازه میلیونی برگزار می‌کننـد و آن را حرام نمی‌دانند.

مفتیان وهابی، بازی فوتبال و برگزاری جشن تولـد و هدیه گل را به علت تشـبه به کفار حرام می‌دانند، اما در برابر شـراب خوردن و زدن گیلاس‌های پر از شراب حکام عربستان با سران و زنان کشورهای اروپایی و آمریکایی و با زنان برهنه ساکت می‌شوند و یا آن را توجیه می‌کنند.

برگزاری مراسـم سـالروز بعثـت پیـامبر (ص) شـرک معرفی می‌شـود، امـا یـک هفته جشن و پـایکوبی به منـاسب سـالروز حـاکمیت پادشاهی سعودی، بدعت شمرده نمی‌شود.

۱- ابن تیمیه می‌گوید: «مسح و بوسـیدن هر قبری اگر چه قبر پیامبر باشد، شرک است» . الجامع الفرید، کتاب الزیارهٔ لابن تیمیّهٔ، ص ۴۳۸، المسألهٔ السابعهٔ.

ص:۴۹

وهـابیون معتقدنـد که دوران تبلیغ پایـان یـافته و تنهـا راه انتشـار عقایـد وهـابیت، شمشـیر می‌باشـد. اما در قرآن و سـیره پیامبر (ص) اولویت‌دادن به تبلیغ و هدایت افراد با حکمت و موعظه حسنه می‌باشد.(۱)

۱- ادْعُ إِلَی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِٔ وَالْمَوْعِظَهِٔ الْحَسَنَهِٔ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِیلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِینَ نحل: ۱۲۵ .

ص:۵۰

ص:۵۱

آیا می‌دانید؟

۱. مفتیان وهابی، کلیه مذاهب اسلامی از جمله شیعیان را مشرک می‌دانند، اما علمای شیعه به استناد آیات قرآن و احادیث نبوی (ص) معتقدند هر کس شهادت به وحدانیت خدا و رسالت حضرت محمد (ص) بدهد، مسلمان و جان و مال و آبروی او محترم است.

۲. در کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌های وابسته به وهابیون، وجود هر نوع کتاب شیعی ممنوع می‌باشد، اما در کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌های شیعیان تمام کتب اهل سنت در اختیار علاقمندان قرار می گیرد.

۳. وهابیون کسانی را که به مسلک وهابیت گرایش پیدا کنند، مهتدون (هدایت‌یافتگان) خطاب می کنند؛ زیرا معتقدند که تاکنون کافر و گمراه بوده‌اند و از زمانی که به سلک وهابیت در آیند مسلمان می‌باشند.

۴. ابن تیمیه، بنیان گذار تفکر وهابیت، به‌علت داشتن اعتقادات باطل و ترویج مسائل خلاف شرع، با حکم

ص:۵۲

مفتیان و قضات اهل سنت محکوم به زندان ابد شد و در زندان از دنیا رفت و هیچ‌گاه ازدواج نکرد.

۵. اولین کسی که به مخالفت با افکار انحرافی محمد بن عبدالوهاب برخاست، پدرش عبدالوهاب بود که تا زمانی که زنده بود فرزندش را از سخن گفتن و تبلیغ افکار انحرافیش منع کرده بود.

۶. اولین کتابی که علیه افکار و اعتقادات محمد بن عبدالوهاب نوشته شد، توسط برادرش سلیمان بن عبدالوهاب به نام « الصواعق الالهیهٔ فی الرد علی الوهابیه » بود و پس از آن هزاران جلد کتاب، مقاله، رساله و. . . توسط سایر علما و متفکرین اهل سنت علیه این تفکر انحرافی نوشته و منتشر شد.

۷. وهابیون، خواندن نماز کنار قبور را حرام و بدعت می‌دانند و به همین علت شیعیان را متهم به مرده‌پرستی می‌کنند، اما نماز خواندن پیروان این فرقه در کنار ساختمانی که در آن بن لادن کشته شده را بدعت و مرده‌پرستی نمی‌دانند.

۸. در تمام سایت‌ها، شبکه‌های تلوزیونی و وسائل ارتباطجمعی نمایش دادن عکس و یا فیلمی که مروج مظاهر خشونت باشد از قبیل کشتارهای دسته‌جمعی انسان‌ها، سربریدن افراد، عکس‌های قتل و کشتار و جنازه‌های قطعه قطعه شده انسان‌ها ممنوع است، ولی

ص:۵۳

عکس و فیلم‌هایی که توسط وهابیون از کشتار شیعیان در پاکستان، افغانستان، عراق و. . . تهیه و منتشر می‌شود، سریعاً توسط شبکه‌های صهیونیستی و جماعت‌های تبشیری مسیحی، و سازمان‌های ضد اسلام، در سراسر عالم پخش و در راستای پروژه اسلام‌هراسی و ترسیم چهره خشن و ضد بشری از اسلام مورد بهره‌برداری آنها قرار می گیرد.

۹. وهابیون این اعتقاد را در بین عوام ایجاد می کنند که هرکس پنج شیعه را بکشد، بهشت بر او واجب می‌شود.

۱۰. برخی از مراکز انتشاراتی وابسته به وهابیت کتاب صحیح بخاری را تحریف و تعدادی از احادیثی که رسول‌اکرم (ص) در فضیلت و جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) بیان نموده، از این کتاب حذف نموده‌اند. نمونه‌هایی از این چاپ در کتابخانه مسجدالنبی (ص) وجود دارد.

۱۱. مفتیان وهابی، خریدن، خواندن و نگهداری کتب شیعه را حرام می‌دانند و به علت عدم آشنایی با اعتقادات شیعه، فتاوای خلاف واقع و تهمت‌های ناروا و دروغ‌های زیادی را به شیعه نسبت می‌دهند که دروغ عاری از حقیقت است.

ص:۵۴

ص:۵۵

استراتژی وهابیت در مقابل شیعه

اشاره

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (رحمهٔ الله) و حاکمیت جمهوری اسلامی، تحولی اساسی در عرصه مبارزات سیاسی در سطح جهان به‌وجود آمد و توجه هزاران انسان سرگشته و تشنه معنویت و معارف حقه اسلامی را در سراسر جهان به خود جلب کرد.

گرایش جوانان سرخورده از ایسم‌ها و مکتب‌های شرقی و غربی، توجه ملل مستضعف به تفکر اسلامی - انقلابی امام خمینی (رحمهٔ الله) ، گسترش روزافزون مراکز شیعی در سراسر جهان، رشد نهضت‌های ضد استکباری و هویت‌بخشی به مبارزات ملل مسلمان بر اساس مبانی اسلامی و. . . موجب نگرانی روزافزون سران کفر و سردمداران استکبار گردید و در راستای کنترل و مهار نمودن حرکت روزافزون موج اسلامی خواهی و بازگشت به هویت اسلامی، انواع توطئه‌ها، طرح‌ها و برنامه‌ها را پیش‌بینی و اجرا نمودند.

ص:۵۶

وهابیون نیز همگام و هماهنگ با مراکز استکبار جهانی که به‌شدت نگران رشد اسلام ناب محمدی (ص) و به خطر افتادن آینده خود بودند، در راستای تضعیف رشد گرایش جهانی به شیعه استراتژی‌هایی را برای خود طراحی و پیگیری می کنند که برخی از آنها عبارتند از:

انتساب شیعه به یهود

از جمله استراتژی‌های مهم وهابیون این است که شیعه را دینی معرفی کنند که ساخته دسته یهودیان بوده است. آنان در این راستا صدها جلد کتب، جزوه، مقاله چاپ و بین مسلمانان جهان منتشر کرده‌اند.

کتاب « تبدید الظلام و تنبیه النیام الی خطر الشیعه و التشیع علی المسلمین و الاسلام » نوشته آقای «ابراهیم الجبهان» که با هزینه نهادهای وهابی تدوین و در تیراژ گسترده منتشر شده است، در همین راستا می‌باشد و هر ساله میلیون‌ها نسخه از آن در سراسر جهان به زبان‌های مختلف توزیع می‌شود.

هدف اصلی نویسنده در این کتاب این است که ثابت کند که شیعه دینی است که توسط یهودیان ایجاد شده است.(۱)

۱- این کتاب در اواسط دهه ۱۹۷۰م منتشر شد. این کتاب پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران طی سال‌های ۱۹۷۹ – ۱۹۸۸م نُه بار تجدید چاپ و در سراسر کشورهای اسلامی توزیع شد.

ص:۵۷

در صفحه اول کتاب دیگری تحت عنوان «شرح اعتقادات اهل‌سنت» آمده است: «ما این کتاب را در رد شیعه نوشتیم، چون دیدیم خطر شیعه برای اسلام از خطر صهیونیسم بیشتر است» .

کافر معرفی‌کردن شیعه

در کتب اعتقادی وهابیون و فتاوای مفتیان وهابیت آمده است:
شیعیان کافرند و خدا را قبول ندارند چون شیعه‌ها می‌گویند خدا دست ندارد، پا ندارد، چشم ندارد، خدا جسم نیست، خدا چیزی نمی‌خورد، خدا دیدنی نیست، خدا وزن ندارد. پس معلوم می‌شود که شیعه خدا را قبول ندارد چون چیزی که جسم نیست، دست ندارد، پا ندارد، دیده نمی‌شود. . . وجود ندارد.

شایع نمودن گرایش برخی از علما و متفکرین شیعه به وهابیت

گرایش روزافزون پیروان ادیان مختلف به شیعه موجب شده وهابیون نیز در مجلات و سایت‌های منسوب به این فرقه هر از چندگاه ادعا کنند که فلان عالم و یا شخصیت شیعی، وهابی شده است. وقتی به این سایت‌ها مراجعه می‌شود تنها اسامی و عناوین تعدادی افراد بی‌نام و نشان و

ص:۵۸

یا برخی از منحرفینی که دارای مسئله حاد بوده‌اند، ذکر شده است.

ناامن‌کردن مراکز و مراسم مذهبی شیعیان

ناامن کردن مساجد، حسینیه‌ها، هیئت‌های عزاداری، نمازهای جمعه شیعیان، زیارتگاه‌های ائمه (علیهم السلام) و امامزادگان، از جمله اهداف مهم وهابیون می‌باشند که تاکنون صدها نفر از شیعیان بی‌گناه را در این مراکز مقدس به شهادت رسانده‌اند.

تشکیل گروه‌های تبلیغی و جهادی علیه شیعیان

شناسایی و جذب برخی از ایرانیان سنی‌مذهب مسئله‌دار که نظام و محاکم قضایی به علت تخلفات مختلف با آنان و یا بستگانشان برخورد نموده است. همچنین آموزش و سازماندهی آنها در قالب گروه‌های محارب و تروریست علیه شیعیان در سراسر جهان.

تهییج افکار اهل سنت علیه شیعیان

وهابیون مطالب بی‌اساس و ضعیف را از کتب بی‌نام و نشان و غیر معتبر شیعه جمع‌آوری و آن را در بین اهل‌سنت به عنوان اعتقادت شیعیان ترویج می‌کنند.

برخی از این موارد عبارتند از:

ص:۵۹

اگر قرآن اصلی تحریف نمی‌شد، نام ائمه حتماً در آن موجود بود.(۱)

پیامبر (ص) ، علی و عایشه را بر یک تخت می‌خوابانید.(۲)

پیامبر (ص) غلام نگهبان دروازه علی بود.(۳)

بعد از وفات پیامبر (ص) همه صحابه به‌جز سه نفر مرتد شدند.(۴)

نکاح مرد با مرد جایز است و انسان می‌تواند با مادر، خواهر و دختر حقیقی خود نکاح کند.(۵)

علی (ع) اجازه و اختیار داشت تا زنان پیامبر را طلاق دهد.(۶)

تلاش جهت ایجاد اختلاف و بدبینی بین شیعیان و اهل سنت و تحریک احساسات آنان علیه همدیگر

۱- بیان حقیقت یا شناخت راهزن، مفتی ابو قدامه صارم به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳.

۲- بیان حقیقت یا شناخت راهزن، به نقل از: کتاب سلیم بن قیس کوفی، ص ۱۹۷.

۳- بیان حقیقت یا شناخت راهزن، به نقل از: خلقت نورانیه، کربانوی، ج۱، ص ۲۰۱.

۴- روضه کافی، ج ۸، ص ۲۴۵.

۵- بیان حقیقت یا شناخت راهزن، ص ۷، به نقل از: فرقه شیعه، ابی‌محمد الحسن بن موسی.

۶- بیان حقیقت یا شناخت راهزن، ص ۹، به نقل از: تفسیر صافی، ج۱ و ۲، ص ۳۳۳.

ص:۶۰

ایجاد و سازماندهی صدها مرکز تبلیغی و سایت و شبکه‌های فرهنگی – تبلیغی علیه مذهب شیعه

عبدالله قاسم، مسؤول کمیته تبلیغ و کمک‌های تبلیغی در مؤسسه حرمین طی مصاحبه‌ای می گوید:
این کمیته بـالغ بر هشت‌هزار کتابخـانه در آمریکـا و کانـادا تأسـیس نموده است و در تمـام این کتابخانه‌هـا، کتبی که مروج فرهنگ وهابیت است در اختیار مراجعه کنندگان قرار می گیرد.(۱)

رشد شیعه هراسی در جهان اسلام

رشد و گرایش جهانی به مذهب شـیعه و مطرح شدن شـیعه به‌عنوان مذهبی جامع و کامل که دارای سیستم حکومتی خود می‌باشد و توانسـته در معادلات سیاسی بین‌الملل خود را مطرح نماید، موجب شده که وهابیون آن را به عنوان تهدیدی جدی علیه خود تلقی و در این راستا طرح شیعه‌هراسی را با هدف تحریک احساسات اهل سنت و متحد نمودن آنان علیه شیعه را مطرح نماید.
شیخ ربیع بن محمّد، از نویسندگان بزرگ وهابی می‌نویسد:

۱– روزنامه الریاض، ش ۱۰۴۴۷، مورخ ۲۱ رمضان ۱۴۱۷ه. ق، برابر با ۱۱/۱۱/۷۵ه. ش.

ص:۶۱

آنچه که باعث فزونی شگفتی من گردیده، این است که برخی از برادران وهّابی و فرزندان شخصیّت‌های علمی و دانشجویان مصری، اخیراً به سراغ مکتب تشیّع رفته‌اند.(۱)

دکتر ناصر القفاری استاد دانشگاه‌های مدینه می‌نویسد:

اخیراً تعداد زیادی از اهل سنّت به طرف مذهب شیعه گرویده‌اند و اگر کسی کتاب «عنوان المجد فی تاریخ البصرهٔ ونجد» را مطالعه کند، به وحشت می‌افتد که چگونه برخی از قبایل عربی به صورت کامل، مذهب شیعه را پذیرفته‌اند.(۲)

جالب‌تر از اینها سخن شیخ مجدی محمّد علی محمّد نویسنده بزرگ وهّابی است که می گوید:

یکی از جوان‌های اهل سنّت، حیرت‌زده نزد من آمد. وقتی که علّت حیرت او را جویا شدم، دریافتم که دست یکی از شیعیان به وی رسیده است، و این جوان سنّی تصوّر کرده است که شیعیان ملائکه رحمت، و شیر بیشه حقّ می‌باشند. (۳)

شیخ محمّد مغراوی از نویسندگان مشهور وهّابی

۱- الشیعهٔ الإمامیّهٔ فی میزان الإسلام، ص ۵ مقدمه کتاب .

۲- أُصول مذهب الشیعهٔ الإمامیّهٔ الاثنی عشریّهٔ، ج ۱، ص ۹ مقدمه کتاب .

۳- انتصار الحق، صص ۱۱ و ۱۴.

ص:۶۲

عربستان می گوید:

بـا گسترش مـذهب تشـیّع در میان جوان‌های مشـرق‌زمین، بیم آن را دارم که این فرهنگ در میان جوان‌های مغرب‌زمین نیز گسترده شود.(۱)

۱- من سبَّ الصحابهٔ و معاویهٔ فأُمّه هاویهٔ، ص ۴ مقدمه کتاب .

ص:۶۳

مهم‌ترین شبهات وهابیت علیه شیعه

از جمله اقدامات مهم وهابیون علیه شیعیان که در سال‌های اخیر تشدید شده است، جمع‌آوری و تدوین شبهات و سؤالات مختلفی است که بتوانند سایر مسلمانان را نسبت به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) بدبین نمایند. علما و متفکران شیعه در طول تاریخ، سؤالات و شبهات آنان را به‌دقت بررسی و در کتب و جزوات و یا مناظرات حضوری، پاسخ‌های متقن و مستدلی به تمامی سؤالات و شبهات آنان ارائه نموده‌اند.

در این نوشتار نیز تلاش شده با زبانی ساده و روان که قابل فهم و استفاده کلیه اقشار مردم باشد به برخی از این سؤالات و شبهات پاسخ داده شود.

عناوین برخی از این شبهات و سؤالات آنها عبارتند از:

شیعه و تاریخ پیدایش آن

می‌پرسند: شیعه به چه کسی گفته می‌شود و از چه زمان شیعه به وجود آمد؟

ص:۶۴

می گوییم: در ابتدای ظهور اسلام، همه پیروان رسول‌خدا (ص) به عنوان امت واحده، با هم برادر و به آنان مسلمان گفته می‌شد. بعـد از رحلت رسول اکرم (ص) مسـلمانان دو گروه شدنـد، عـده‌ای رهبریت علی (ع) را پذیرفتند و عده دیگری خلافت و رهبریت کسـانی دیگر را پذیرفتنـد. شـیعه به کسـی گفته می‌شود که پیروی از علی (ع) و اهـل بیت (علیهم السـلام) را انتخاب کرد و این نام توسط پیامبر (ص) در همان ابتدای ظهور اسلام بر پیروان علی (ع) نهاده شد؛ آن‌گاه که رسول‌اکرم (ص) خطاب به علی (ع) فرمود: «

أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَاضِينَ مَرْضِيِّين »(۱)

چرا شیعیان در اقلیت هستند؟

می‌پرسند: اگر مذهب شیعه بر حق است، چرا شیعیان در اقلیت می‌باشند؟

می گوییم: اولاًـ در اقلیت و اکثریت‌بودن، دلیل بر حقانیت نیست. قرآن در آیات زیادی اکثریتی که حق را نپـذیرفته را جاهل، فاسق، نادان، بی ایمان و. . . معرفی می کند.(۲)

۱- تفسیر الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹.

۲- أَكْثَرُهُمْ لا يُؤْمِنُونَ بقره: ۱۰۰ ؛ أَكْثَرُهُمْ فاسِقُونَ مائده: ۵۹ ؛ أَكْثَرَهُمْ لا يَعْلَمُونَ اعراف: ۳۷ و. . .

ص:۶۵

ثانیاً: رسول اکرم (ص) و تمام انبیا (علیهم السلام) و پیروان آنان در اقلیت بودند و هیچ‌کدام به‌خاطر اقلیت‌بودن، شک در حقانیت دین خود نمی‌کردند. در جهان امروز نیز مسلمانان نسبت به برخی از ادیان دیگر در اقلیت می‌باشند و اقلیت بودن دلیل بر باطل بودن آنان نیست.

تهمت ناروا به شیعه

می‌گویند: شیعیان بعد از هر نماز دست‌ها را بالا- می‌برند و سه بار می‌گویند « خان الامین » ؛ یعنی جبرییل امین خیانت‌کرده و رسالتی را که حق علی (ع) بوده و خدا برای علی (ع) فرستاده بود به حضرت محمد (ص) داد.

می‌گوییم: اولاً: این از جمله دروغ‌هایی است که توسط دست‌های پنهان، جهت بدبینی و اختلاف بین مسلمانان ایجاد شده است و متأسفانه بعضی از مفتی‌های وهابی نیز بدون تحقیق آن را در فتواهای خود علیه شیعه ذکر می‌کنند؛ درحالی‌که با اندک تحقیقی، روشن می‌شود که شیعیان در پایان نماز دست‌های خود را بالا می‌برند و تکبیر می‌گویند.

ثانیاً: برای هر کسی که اندکی دقت داشته باشد، بی‌اساس بودن این اتهام روشن می‌شود؛ زیرا اگر شیعیان جبرئیل را، امین می‌دانند، دیگر نسبت خیانت‌دادن به او صحیح نیست. امکان ندارد به کسی هم نسبت امین داد و هم خائن.

ص:۶۶

فرق بین شیعه و سنی

می‌پرسند: فرق بین شیعه و سنی چیست؟

می‌گوییم: شیعه و سنی در تمامی اصول اعتقادی و احکام عملی از قبیل توحید، نبوت، معاد، کتاب خدا، قبله و. . . دارای اعتقادات مشترکی هستند، اما مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقطه افتراق شیعه و سنی، در امامت و رهبریت امت، پس از رحلت پیامبر (ص) است.

اهل سنت معتقدند که پیامبر (ص) برای امامت و رهبری امت پس از خود دستوری نداده است. از این رو، دانشمندان اهل سنت در چگونگی انتخاب خلیفه و رهبر نظرات مختلفی ارائه داده‌اند.

برخی می‌گویند: خلیفه با انتخاب و بیعت مردم تعیین می‌گردد، مانند خلافت ابوبکر.

برخی می‌گویند: با وصیت خلیفه زنده، خلیفه بعدی تعیین می‌گردد؛ مانند خلافت عمر که با وصیت ابوبکر بود.

برخی دیگر می‌گویند: با شورای متخصصان و صاحب‌نظران (اهل حل و عقد) خلیفه تعیین می‌شود؛ مانند انتخاب عثمان.

برخی هم می‌گویند: هر حاکمی که از هر راهی ولو به زور و کودتا باشد، به قدرت رسید، اولی الامر است و اطاعت از او واجب می‌باشد.

ص:۶۷

و در مواردی هم هیچ‌کدام از اینها نیست؛ مانند خلافت معاویه که با هیچ‌کدام از شیوه‌های ذکر شده به خلافت نرسید، بلکه با نیرنگ و جنگ در مقابل علی (ع) به خلافت شام رسید.

اما شیعه معتقد است که رسول خدا (ص) به امر خدای سبحان، نسبت به رهبری و امامت بعد از خود غافل نبوده و آن حضرت امت را بدون امام رها نکرده است. امامت همچون رسالت از سوی خدا تعیین و توسط پیامبر (ص) به مردم معرفی می‌گردد و پیامبر (ص) در احادیث متعدد همچون حدیث منزلت، ثقلین، انذار، غدیر و... به امامت علی (ع) بعد از خود تصریح نموده است. بنابراین شیعه معتقد است علی (ع) و یازده فرزندش (علیهم السلام) یکی پس از دیگری به امامت امت منصوب شده‌اند.

آیا شیعیان قرآن دیگری دارند؟

می‌گویند: شیعیان قرآن دیگری دارند که غیر از این قرآن است.

می‌گوییم: این نیز از تهمت‌ها و دروغ‌های ناروایی است که علیه شیعیان ساخته شده است و با اندک دقتی، ساختگی‌بودن این تهمت روشن می‌شود؛ زیرا شیعیان از صدر اسلام تاکنون همین قرآن را قرائت کرده‌اند و آن را در نماز می‌خوانند و بر همین قرآن صدها جلد تفسیر و

ص:۶۸

شرح نوشته‌اند. در طول تاریخ شیعیان به غیر از این قرآن، قرآن دیگری را چاپ نکرده‌اند و صدای قرآن دیگری از رادیو و تلویزیون و سایر وسایل ارتباطجمعی آنها شنیده نشده است. هزاران شیعه در سراسر جهان قاری، مفسر، و حافظ همین قرآن می‌باشند.

شهادت به ولایت علی (ع) در اذان

می‌پرسند: چرا شیعیان در اذان «أشهد أنّ علیاً ولی‌الله» را اضافه کرده‌اند و این بدعت می‌باشد چون زمان پیامبر (ص) جزء اذان نبوده است؟

می‌گوییم: اولاًـ اگر اضافه‌کردن جمله‌ای به اذان بدعت است، چرا «الصلاهٔ خیر من النوم» که در زمان پیامبر (ص) جزء اذان نبوده، پس از پیامبر (ص) به اذان اضافه شد و « حی علی خیر العمل » که در زمان پیامبر (ص) جزء اذان بوده، از اذان حذف شده و اینها بدعت شناخته نمی‌شوند.

ثانیاً: شیعیان « أشهد أنّ علیاً ولیّ‌الله » را جزء اذان نمی‌دانند و همان‌طور که در رساله‌های عملیه آمده، ذکر آن تنها به قصد رجا صحیح می‌باشد.

اما اینکه چرا شیعیان در اذان می‌گویند « أشهد أنّ علیاً ولیّ‌الله » ، باید گفت: چون خدا در قرآن شهادت به ولایت علی (ع) داده؛ آنجا که فرمود:

ص:۶۹

إِنَّمَا وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاَةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (مائده: ۵۵)

همانا ولی شما خدا و رسولش و کسی است که در حال اقامه نماز زکات می‌دهد.

همه محدثین و مورخین شیعه و سنی، اتفاق‌نظر دارند که این آیه در مورد علی (ع) نازل شده که در حال نماز به فقیر زکات داد.

امـا علت اینکه ولاـیت علی (ع) بعـد از رسالت پیامبر (ص) در اذان توسط شـیعیان ذکر می‌شود، تلاش‌هایی بود که توسط بنی‌امیه و بنی‌عبـاس برای محو نـام و یـاد علی و اهل‌بیت (علیهم السـلام) صورت گرفت. شـیعیان با این روش، تلاش‌های مخالفین اهل بیت را نقش بر آب کردند و این نام و مقام را برای آن حضرت زنده نگه داشتند.

سجده بر مهر

می‌پرسند: چرا شیعیان هنگام نماز، بر مهر سجده می‌کنند؟

می‌گوییم: اولاً همه مسلمانان، چه شیعه و چه سنی معتقدند که باید به زمین سجده کرد و بر غیر زمین سجده جایز نیست.

اما اختلاف در معنای زمین است. شیعه معتقد است تنها سجده بر زمین و آنچه که از زمین می‌باشد، جایز

ص:۷۰

است (به استثنای خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها) . بنابراین فرش، سیمان، آسفالت و. . . زمین نیستند و سجده بر آنها جایز نمی‌باشد.

ثانیاً: در صدر اسلام، که مسجدالنبی به صورت فعلی فرش نشده بود و کف آن یا خاک بود و یا حصیر، رسول‌اکرم (ص) و صحابه بر زمین یا بر حصیر سجده می‌کردند و هیچ حدیث و روایتی وارد نشده که رسول‌اکرم (ص) بر عبا یا فرش یا چیز دیگری که زمین نیست، سجده نموده باشد.

ثالثاً: روایات زیادی نیز وارد شده که پیامبر (ص) و صحابه بر غیر زمین سجده نمی‌کردند از جمله:

جابر بن عبدالله انصاری گفت:

من بـا پیامبر (ص) نماز ظهر را برگزار کردم و مشتی از سـنگریزه‌ها را برمی‌داشـتم و آنها را دست به‌دست می‌کردم تا خنک شونـد؛ سپس زیر پیشانی نهاده، بر آنها سجده می‌کردم.(۱)

اگر سجده بر غیر زمین جایز بود، لازم نبود سنگریزه را خنک کنند و بر آن سجده نمایند.

همین‌طور در روایت دیگری آمده است که علی بن عبدالله بن عباس که از تابعان است به زرین نوشت: «قطعه

۱- مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۲۷.

ص:۷۱

سنگی از سنگ‌های کوه مروه برای من بفرست تا بر آن سجده کنم»(۱)

رابعاً: در برخی از روایات وارده شده که پیامبر (ص) مانع سجده بر غیر زمین می‌شد؛ مانند:

پیامبر (ص) زمانی که صهیب را مشاهده کرد که هنگام سجده از خاک‌آلودشدن پیشانی خود پرهیز می‌کند، به او فرمود: «صهیب! صورت خود را بر خاک بنه»(۲)

ناگفته نماند که مهر، قطعه‌ای از خاک پاک و تمیز است که هنگام نماز خواندن آن را روی فرش، آسفالت و هر چیز دیگری که غیر زمین است، می‌گذارند و بر آن سجده می‌کنند و فاقد هرگونه ارزش و قداستی می‌باشد.

زیارت قبور

می‌گویند: شیعیان مشرک هستند چون به زیارت قبور می‌روند.

می‌گوییم: اولاً: هیچ دلیلی در هیچ منبع معتبری نیامده که اگر مسلمانی قبری را زیارت کرد، مشرک و از اسلام خارج می‌گردد.

ثانیاً: از رسول خدا (ص) احادیث زیادی مبنی بر استحباب زیارت اهل قبور وارد شده است؛ از جمله: «

انّ

۱- اخبار مکه، ازرقی، ج ۳، ص ۱۵۱.

۲- کنز العمال، ح ۱۰۸۱۰.

ص:۷۲

رسول الله رخص فی زیارهٔ القبور »(۱)

در روایات آمده که پیامبر (ص) به زیارت قبرمادرش می‌رفت و می گریست.

همچنین در تاریخ اسلام وارد شده که عایشه بعد از برگشت از مکه به زیارت قبر برادرش عبدالرحمان بن ابوبکر رفت.(۲)

پیـامبر (ص) به زیـارت اهـل بقیع می‌رفت و زیارتنـامه می‌خوانـد، حتی در آخرین لحظات عمرش به زیارت مـدفونین بقیع رفت و با آنان گفت‌وگو و برایشان دعا نمود.

در مستدرک حاکم نیشابوری آمده که حضرت فاطمه (س) هر جمعه به زیارت قبر عمویش حمزه می‌رفت.(۳)

آیت الله سبحانی در مورد علت مخالفت وهابیان با زیارت قبور، به نکته ظریفی اشاره می کند و می گوید:

اموات عده زیادی از مسلمانان صدر اسلام مسلمان نبوده و یا بت‌پرست بودند و اسلام پیوند آنها را با مشرکین قطع کرده بود. لذا به زیارت امواتشان نمی‌رفتند و به مرور زمان زیارت قبور به‌عنوان یک عمل ضد دینی تلقی گردید.

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۱۳.

۲- سنن ترمذی، ج ۴، ص ۲۷۵.

۳- مستدرک حاکم، ج۱، ص ۱۱۲.

ص:۷۳

تبرک جستن

می گویند: شیعیان مشرک هستند، زیرا به قبور اولیا و انبیا (علیهم السلام) تبرک می‌جویند.

می گوییم: تبرک جستن به آثار انبیا و اولیا (علیهم السلام) هم قبل از اسلام و هم در زمان پیامبر (ص) و هم بعد از رحلت آن حضرت در بین مسلمانان و غیر مسلمان رایج بوده است و هیچ گاه به‌عنوان شرک شناخته نشده است. نمونه‌های زیادی در قرآن و روایات در این مورد وارد شده است از قبیل:

برادران یوسف، پیراهن یوسف را بر دیدگان پدر افکندند و یعقوب پس از سال‌ها بینا گشت.(۱)

در آیه ۲۴۸ بقره داستان تبرک قوم موسی به تابوت ذکر شده است. حضرت موسی (ع) در روزهای پایانی عمر خود، بر روی الواح مقدسی، احکام خدا را نوشت و آنها را همراه با زره خود، در تابوتی نهاد و به وصی خود یوشع بن نون سپرد. بنی‌اسراییل در جنگ‌هایی که بین آنان و دشمنانشان رخ می‌داد، به‌عنوان تبرک تابوت را همراه خود می‌بردند و پیروز می‌شدند.

اگر تبرک‌جستن خلاف توحید و موجب شرک بود، قطعاً پیامبر خدا از آن نهی می کرد و قرآن آن را

۱- فَلَمَّا أَنْ جاءَ الْبَشِيرُ أَلْقاهُ عَلى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيراً یوسف: ۹۲ .

ص:۷۴

تأیید نمی‌نمود.

در کتاب صحیح بخاری آمده که هرگاه پیامبر (ص) وضو می‌گرفت، اصحاب برای ربودن قطرات آب وضوی آن حضرت، بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند.(۱)در مورد برداشتن موی پیامبر (ص) توسط اصحاب هنگامی که آن حضرت اصلاح می‌کرد نیز روایات مشابهی وارد شده است.(۲)

در روایات آمده است که پس از پیامبر (ص) نیز وقتی بلال به مدینه برگشت، بر سر قبر پیامبر رفت و گریه کرد و صورت خود را بر قبر آن حضرت می‌مالید.(۳)

همچنین روایات زیادی وارد شده که پیامبر (ص) و صحابه، حجرالاسود را استلام و آن را می‌بوسیدند.(۴)

مسلمانان نیز قرآن را می‌بوسند و هیچ‌کس این عمل را شرك نمی‌داند.

جمع بین دو نماز

می‌پرسند: چرا شیعیان نماز ظهر وعصر و مغرب و عشا را با هم می‌خوانند و مانند اهل سنت نمازهای پنجگانه را در پنج وقت نمی‌خوانند؟

می‌گوییم: شیعه معتقد است خواندن نمازهای

۱- صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۵۵.

۲- صحیح مسلم، ج ۴، کتاب فضائل العمام.

۳- اسدالغابه، ج ۱، ص ۲۰۸؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۵۸.

۴- صحیح بخاری، جزء ۲، کتاب الحج، ص ۱۵۲.

ص:۷۵

پنج‌گانه در پنج وقت صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا مستحب است و به آن توصیه شده است. اما واجب نیست؛ زیرا پیامبر (ص) نیز گاهی نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را بدون اینکه علت خاصی داشته باشد با هم می‌خواند. اگر جمع بین نمازها واجب بود، پیامبر (ص) بدون عذر این واجب مهم را ترک نمی‌کرد.

احادیث متعددی به نقل از ابن عباس، وارد شده که پیامبر (ص) در حال اقامت در مدینه، نه در حال مسافرت، هفت رکعت (نماز مغرب و عشا) و هشت رکعت (نماز ظهر و عصر) گذارد.(۱)

پیامبر (ص) در مدینه منوره نیز بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا جمع نمود؛ بدون اینکه در حال سفر باشد و یا باران ببارد.

از ابن عباس پرسیدند چرا پیامبر (ص) بین دو نماز جمع نمود؟ جواب داد: «زیرا پیامبر (ص) می‌خواست برای امت خود گشایش و تسهیل ایجاد نماید»(۲)

توسل

می‌گویند: توسل و کمک خواستن به غیر خدا شرک است و نباید از غیر خدا کمک خواست.

۱- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۵۱؛ الموطأ، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲- صحیح مسلم، ج ۲، باب جمع بین الصلاتین؛ کنز العمال، ج ۸، ص ۲۴۸.

ص:۷۶

می گوییم: توسل جستن و یاری طلبیدن از دیگران امری عادی است که با زندگی روزمره انسان عجین شده است. همه انسان‌ها برای رفع بسیاری از نیازهایشان، دیگران را به یاری می‌طلبند و دست نیاز به‌سوی آنها بلند می کنند و کسی نمی گوید مشرک هستند.

آنچه حرام است این است که انسان، شریکی در کنار خدا «مع الله» قرار دهد، اما اگر به کسی متوسل بشویم که پیش خدا دارای عزت و مقام و مرتبه است، این نوع توسل شرک نمی‌باشد و مشابه آن در تاریخ اسلام زیاد وارد شده است و عقل نیز آن را تأیید می کند؛ زیرا انسان‌ها در امور روزمره زندگی و برای رفع مشکلات خود به یکدیگر متوسل می‌شوند و هیچ انسانی به تنهایی و بدون کمک دیگران نمی‌تواند به زندگی اجتماعی خود ادامه دهد.

از رسول اکرم (ص) نقل شده که آن حضرت فرمود: «اگر انسانی، مسلمانان را به کمک بطلبد و آنان به‌فریادش نرسند، مسلمان نیستند» .

همچنین در قرآن آمده است که برادران یوسف به پدرشان متوسل شدند تا برای آنان استغفار کند و پدرشان هم قبول کرد و گفت: «به‌زودی برایتان استغفار می کنم»(۱)

۱- قَالُواْ یَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِين یوسف: ۹۷ .

ص:۷۷

خداوند متعال نیز می‌فرماید: «اگر پیامبر برای کسی طلب استغفار کند، خدا او را می‌بخشد»(۱)

با دست باز نماز خواندن

می گویند: چرا شیعیان هنگام نماز خواندن دست‌هایشان باز و همانند اهل سنت با دست بسته نماز نمی‌خوانند.

می گوییم: اولاً: مدرک و دلیلی بر اینکه پیامبر (ص) با دست‌های بسته نماز خوانده باشد، ذکر نشده است.

ثانیاً: با دست باز نماز خواندن، اختصاص به شیعیان ندارد، بلکه امام ابوحنیفه دست بسته نماز خواندن را مستحب، شافعی و احمد بن حنبل، آن را سنت و مالک آن را در نمازهای واجب مکروه می‌داند.

طبق نقل برخی از کتب تاریخی، ریشه گذاشتن دست چپ روی دست راست در هنگام نماز (تکّتف) ، به اسرای عجم منتهی می‌شود. وقتی اسرای ایرانی را وارد مدینه کردند، خلیفه دوم به دیدن آنها رفت. هنگام دیدار خلیفه، همه اسرا دست‌های خود را روی سینه گذاشته بودند. خلیفه، علت آن را پرسید، در جواب گفتند: این رسم ایرانیان است که هنگام ادای احترام به یک مقام بلندمرتبه،

۱- وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللّهَ تَوَّاباً رَّحِيماً نساء: ۶۴ .

ص:۷۸

دست‌های خود را روی سینه قرار می‌دهند. خلیفه دوم این نوع ادای احترام را پسندید و دستور داد از آن پس، جهت احترام بیشتر به خدا، همه مسلمانان باید در نماز، دست‌هایشان را روی سینه بگذارند.(۱)

قرطبی از علمای بزرگ اهل سنت، در کتاب خود روایاتی را ذکر می‌کند که نحوه نماز خواندن رسول‌خدا (ص) را توصیف می‌کند. در هیچ‌کدام از این روایات ذکر نشده که رسول خدا (ص) با دست بسته نماز می‌خواند.(۲)

احترام به قبور و اشیای متبرک

می‌گویند: چون شیعیان به در و دیوار قبور انبیا و ائمه (علیهم السلام) و آثار اولیا دست می‌کشند و تبرک می‌جویند، مشرک هستند!

می‌گوییم: پدر و مادری که فرزندشان به سفر و یا از دنیا رفته، وقتی یاد او می‌کنند، لباس‌ها و وسایل باقیمانده او را برمی‌دارند و به آن دست می‌کشند یا به سر و صورت خود می‌مالند و آنها را می‌بوسند. آیا این اعمال به معنای پرستش این وسایل است و این پدر و مادر مشرک هستند؟ یا این اعمال و رفتار نشانگر محبت و عشق به

۱- جواهر الکلام، ج۱۱، ص ۱۹؛ مصباح الفقیه، ص۴۰۲.

۲- بدایهٔ المجتهد، ج۱، ص۱۳۶.

ص:۷۹

کسی است که او را نمی‌بینند و با دیدن این وسایل به یاد او می‌افتند. آیا حضرت یعقوب که پیراهن فرزندش یوسف را بوسید و بر سر و صورتش کشید و بینایی خود را به دست آورد، مشرک شد؟

شفاعت

می گویند: شفاعت مختص خداست و درخواست شفاعت از اولیا و انبیا (علیهم السلام) شرک است.

می گوییم: همان‌طور که در قرآن ذکر شده، شفاعت مختص خداست، اما خدای سبحان این مقام را به عده‌ای از اولیا و افراد خاص خود واگذار کرده، همان‌طور که فرموده: «هیچ کس مالک شفاعت نیست، مگر کسانی که دارای عهدی نزد خدای رحمان باشند»(۱)و در آیه دیگری می‌فرماید: «در روز قیامت هیچ شفاعتی به‌درد نمی‌خورد، مگر شفاعت کسانی که خدا به آنها اذن داده است»(۲)

از این آیات روشن می‌شود که خدا به عده‌ای اذن شفاعت داده است و آن عده، قطعاً اولیای خاص و بندگان مقربش هستند که به این مقام رسیده‌اند. توسل به این افراد برای شفاعت شرک محسوب نمی‌شود؛ زیرا خدا این مقام را به آنان داده تا از افرادی که دارای صلاحیت هستند

۱- لَا یَمْلِکُونَ الشَّفَاعَهَٔ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَانِ عَهْدًا مریم: ۸۷ .

۲- یومَئِذٍ لَا تَنفَعُ الشَّفَاعَهُٔ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَانُ وَرَضِی لَهُ قَوْلاً طه: ۱۰۹ .

ص:۸۰

شفاعت کنند.

در روایات صحیح از کتب اهل سنت وارد شده که انس بن مالك هم از پیامبر (ص) طلب کرد که از او در روز قیامت شفاعت کند و پیامبر (ص) هم پذیرفت.(۱)مشابه این روایت، روایات متعدد دیگری در کتب اهل سنت ذکر شده است که از ذکر آنها خودداری می گردد.

علم غیب

می گویند: شیعیان معتقدند که انبیا و ائمه (علیهم السلام) علم غیب دارند. اگر آنان علم غیب دارند؛ چرا ضررها و خطرات را از خود دفع نمی کردند و گاهی در زندگی نیز دچار مشکل می‌شدند؟

می گوییم: انبیا (علیهم السلام) قطعاً دارای معجزه بودند، اما چرا هر روز با معجزه مخالفان خود را تسلیم نمی کردند یا با معجزه، مشکلات و سختی‌های خود را برطرف نمی‌نمودند و تنها در موارد بسیار محدودی معجزه می‌آورند؟ زیرا معجزه، ابزاری الهی است که خدا در اختیار انبیا (علیهم السلام) قرار داده تا تنها در موارد خاصی که خدا اذن می‌دهد از آن استفاده کنند، اما اجازه ندارند در هر زمان و در هر جایی که خود بخواهند از آن استفاده کنند.

علم غیب نیز همانند معجزه، علمی است که خدای

۱- سنن ترمذی، ج۴، ص ۶۲۱.

ص:۸۱

سبحان در اختیار انبیا و ائمه (علیهم السلام) قرار داد تا در زمان و شرایط خاصی که خدا اذن می‌دهد، از آن استفاده کنند. آنها مجاز نیستند علم غیب را در هر زمان و مکانی که خود اراده کنند، به‌کار گیرند.

علم غیب و معجزه، همانند اسلحه‌ای است که حاکم در اختیار سرباز قرار داده تا طبق ضوابط و مقررات خاصی از آن استفاده کند. این سرباز مسلح، مجاز نیست که در هر زمان و مکانی که خواست از اسلحه استفاده کند.

سب و لعن صحابه

می‌گویند: سب و لعن صحابه جزء اعتقادات شیعیان است و هر کس صحابه رسول‌خدا (ص) را لعن کند، کافر و واجب القتل است.

می‌گوییم: اولاً ـ این نیز یکی دیگر از تهمت‌های ناروایی است که به شیعیان نسبت می‌دهند؛ زیرا سب و لعن صحابه نه تنها جزء اعتقادات شیعیان نمی‌باشد، بلکه شیعه، سب و لعن بسیاری از صحابه را حرام می‌داند.

ثانیاً: صحابه نیز گاهی با هم نزاع می‌کردند و همدیگر را سب می‌نمودند، اما پیامبر (ص) همچون وهابیون هیچ‌کدام را تکفیر نمی‌کرد.

در مسند احمد حنبل آمده که کسی در حضور

ص:۸۲

پیامبر (ص) ابوبکر را دشنام داد و پیامبر (ص) تعجب نمود و لبخند زد.(۱)پس اگر کسی یکی از صحابه را لعن کرد، موجب کفر او نمی‌شود.

ثالثاً: سب علی (ع) توسط معاویه رایج شد و هیچ‌کس حکم به کفر معاویه نداد.

گریه بر اموات

می‌گویند: گریه بر اموات و اقامه مجلس عزا، بدعت و حرام می‌باشد و شیعیان برای اموات گریه می‌کنند و مجلس عزا برگزار می‌نمایند.

می‌گوییم: اگر کسی عزیزی را از دست داد و به‌خاطر عاطفه و علاقه‌ای که به او داشته، برایش گریه کند، آیا به معنای این است که غیر خدا را پرستش نموده است؟ یا در دین بدعت گذاشته است؟

اگر گریه‌کردن بر مرده بدعت است چرا پیامبراسلام (ص) هنگام زیارت قبر مادرش(۲)و پس از فوت پسرش ابراهیم به‌شدت گریست.

در تاریخ اسلام آمده است که عبدالرحمان بن عوف، پیامبر (ص) را دید که بعد از درگذشت فرزندش ابرهیم، به‌شدت گریه می‌کند. از آن حضرت پرسید: «ای

۱- مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۴۳۶.

۲- سنن بیهقی، ج ۴، ص ۷۰.

ص:۸۳

رسول‌خدا تو نیز در مرگ فرزندت گریه می‌کنی؟ مگر تو ما را از گریه‌کردن نهی نکردی؟»

حضرت پاسخ داد:

نه، من نگفتم در مرگ عزیزانتان گریه نکنید. گریه، نشانه ترحم و مهربانی است وکسی که دلش به حال دیگران نسوزد و مهر و محبت نداشته باشد، مورد مهر و محبت الهی قرار نخواهد گرفت. آنچه من گفته‌ام این است که در سوگ و فقدان عزیزان خود فریاد نزنید و صورت مخراشید و گریبان چاک نکنید و از سخنانی که نشانه اعتراض و یا نارضایتی از ایزد است خودداری کنید.(۱)چشم می‌گرید و قلب محزون است و چیزی نمی‌گوییم مگر اینکه خدا راضی باشد و ما ای ابراهیم در فراق تو غمگین هستیم.(۲)

احمد بن حنبل نقل می‌کند که وقتی پیامبر (ص) از جنگ احد برگشت و دید که زنان در فقدان شوهران مقتول خویش گریه می‌کنند، فرمود: «

لکن حمزهٔ لابواکی له »(۳)؛ «حمزه گریه‌کننده ندارد» .

زنان چون این سخن پیامبر (ص) را شنیدند، بر حمزه گریستند.

۱- سیره حلبی، ج ۳، صص ۳۴۷ و ۳۴۸.

۲- «انّ العین تدمع و القلب یحزن ولا نقول إلاّ ما یرضی ربّنا و انّا بفراقک یا ابراهیم لمحزونون» . صحیح بخاری، ج ۲، ص ۸۵.

۳- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۷.

ص:۸۴

همچنین یعقوب پیامبر (ع) در فقدان یوسف (ع) آن‌قدر گریست که بینایی خود را از دست داد و کسی نگفت که یعقوب مشرک شده و یا در دین بدعت گذاشته است.

عصمت انبیا و ائمه (علیهم السلام)

می‌پرسند: عصمت یعنی چه؟ چرا شیعیان به عصمت انبیا و ائمه (علیهم السلام) اعتقاد دارند؟

می‌گوییم: عصمت یعنی اینکه پیامبران و ائمه (علیهم السلام) به حدی از علم و آگاهی نسبت به ترک محرمات رسیده‌اند که آن را انجام نمی‌دهند و حتی به فکر انجام آن هم نمی‌افتند.

بسیاری از مردم در بعضی از امور ممکن است به حدی از علم و آگاهی رسیده باشند که نسبت به آن موضوع حالت ملکه و عصمت داشته باشند. مثلاً هیچ‌گاه انسان عاقل به فکر کشف عورت در وسط خیابان و یا خوردن سمّ مهلک نمی‌افتند.(۱)

سب النبی (ص)

می‌گویند: شیعیان به نبی مکرم (ص) اهانت می‌کنند.

می‌گوییم: این نیز از دروغ‌ها و تهمت‌های ناروایی است که علیه شیعه ساخته شده و مفتیان وهابی نیز آن را

۱- صراط النجاة للخوئی مع حواشی التبریزی ، ج۳، ص ۴۴۵.

ص:۸۵

بدون تحقیق پذیرفته و بر اساس آن علیه شیعه فتوا می‌دهند.

از طرف دیگر، مفتیان وهابی، شیعیان را متهم به غلو نسبت به رسول اکرم (ص) و اهل بیت آن حضرت می‌نمایند و می‌گویند: «شیعیان به عصمت رسول خدا (ص) و فرزندانش معتقد می‌باشد» .

اولاً: شیعه معتقد به عصمت رسول اکرم (ص) است و محال است به معصوم اهانت کند.

ثانیاً: در کتب فقهی و قوانین جزایی شیعه صریحاً ذکر شده که اگر کسی به پیامبر (ص) اهانت کند، حکم او قتل است و بر شنونده واجب است که او را بکشد.

ثالثاً: سلمان رشدی مرتد در کتاب آیات شیطانی، بدترین اهانت‌ها را به رسول اکرم (ص) روا داشت و هیچ‌کدام از علما و مفتیان وهابی، فتوایی علیه وی صادر نکردند و حتی اعتراضی ننمودند. تنها امام خمینی (رحمهٔ الله) بود که حکم به ارتداد سلمان رشدی و وجوب قتل او را داد.(۱)

آیا کسی که اهانت‌کننده به رسول اکرم (ص) را واجب‌القتل می‌داند، خود به آن حضرت اهانت می‌کند؟

۱- در بهمن ۱۳۶۷، امام خمینی \ طی حکمی، فرمان اعدام سلمان رشدی را به علت ارتداد و اهانت به رسول اکرم ص صادر فرمود.

ص:۸۶

ص:۸۷

کتابنامه

* قرآن کریم

۱. إبطال التأویلات، أبی‌یعلی.

اخبار مکه، ازرقی.

۲. الادلهٔ النقلیه والحسیهٔ علی جریان الشمس و سکون الارض، عبدالله بن باز، مدینه منوره، الجامعهٔ الاسلامیهٔ.

۳. اسدالغابه.

۴. اُصول مذهب الشیعهٔ الإمامیّهٔ الاثنی‌عشریّهٔ.

۵. اعمدهٔ الاستعمار.

۶. انتصار الحق.

۷. بدایهٔ المجتهد.

البراهین الجلیه فی رفع تشکیکات الوهابیه.

۸. بیان حقیقت یا شناخت راهزن، مفتی ابوقدامه صارم.

تاریخ ابن بشر نجدی.

۹. تاریخ نجد، آلوسی.

۱۰. تفسیر الدر المنثور.

ص:۸۸

۱۱. تفسیر صافی.

۱۲. تفسیر عیاشی.

۱۳. جاسوسان مذهب‌ساز.

جزیرهٔ العرب فی القرن العشرین.

۱۴. جواهر الکلام

۱۵. خلاصهٔ الکلام، لدحلان.

۱۶. خلقت نورانیه.

۱۷. الدرر السنّیهٔ.

۱۸. دفع شبه التشبیه بأکف التنزیه، ابن الجوزی.

۱۹. رحلهٔ ابن بطوطهٔ.

۲۰. روزنامه الریاض، شماره ۱۰۴۴۷، مورخ ۲۱ رمضان ۱۴۱۷، برابر با ۱۱/۱۱/۷۵.

۲۱. روضه کافی.

۲۲. سایت شیعه آنلاین.

۲۳. السلفیّهٔ بین أهل السنّهٔ والامامیّهٔ.

۲۴. سنن ابن ماجه.

۲۵. سنن بیهقی.

۲۶. سنن ترمذی.

۲۷. سیر اعلام النبلاء.

۲۸. الشیعهٔ الإمامیّهٔ فی میزان الإسلام.

۲۹. صحیح بخاری.

۳۰. صحیح مسلم بشرح النووی، بیروت، ۱۴۰۷.

۳۱. صراط النجاهٔ للخوئی مع حواشی التبریزی.

ص:۸۹

۳۲. طبقات الحنابله.

۳۳. عقیدهٔ اهل السنهٔ والجماعه.

۳۴. عنوان المجد فی تاریخ نجد.

۳۵. العواصم من القواصم، الطبعهٔ الحدیثه.

۳۶. الفتاوی الاسلامیّهٔ.

۳۷. فتاوی اللجنهٔ الدائمهٔ للبحوث العلمیّهٔ والإفتاء.

۳۸. فتاوی منار الإسلام.

۳۹. فتنهٔ الوهابیهٔ.

۴۰. الفجر الصادق، جمیل صدقی الزهاوی.

۴۱. الفصول المهّمه.

۴۲. فضائل العمام.

۴۳. کتاب سلیم بن قیس کوفی.

۴۴. کتاب من سبَّ الصحابهٔ ومعاویهٔ فأُمّه هاویهٔ.

۴۵. کشف الارتیاب.

۴۶. کشف الشبهات.

۴۷. کنز العمال.

۴۸. لمعه الشهاب فی تاریخ محمد بن عبدالوهاب، به اهتمام: احمد ابوحکیمه، بیروت، ۱۹۶۷م.

۴۹. مجلّهٔ البحوث الاسلامیهٔ.

۵۰. مجلّهٔ الدعوهٔ: عدد ۱۶۱۲.

۵۱. مجموع فتاوی و رسائل ابن العثیمین.

۵۲. مجموعهٔ الرسائل الکبری.

۵۳. مستدرک حاکم.

ص:۹۰

۵۴. مسند ابو داوود.

۵۵. مسند احمد بن حنبل.

۵۶. مصباح الفقیه.

۵۷. مقالات لابن باز.

۵۸. منهاج السنهٔ، بیروت، دار الکتب العلمیهٔ، ۱۴۲۰.

هدایهٔ الحیران فی مسألهٔ الدوران.

۵۹. هذه هی الوهابیّهٔ.

۶۰. هفته‌نامه المسلمون.

۶۱. وهابی گری، حامد الگار، ترجمه: احمد نمایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۶۲. ینابیع المودهٔ لذوی القربی، القندوزی.

۶۳. neset cagataay" .xiii. islam ansiklop edisi "ehhabilik,

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹